

مجلس شورای اسلامی در برابر وظایف تاریخی و حیاتی

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۹ دوره دوم دوشنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال

در پیرامون رض وزیر امور خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

سیاست خارجی ایران در راه شاپسته انقلاب

سیاست خارجی ما بطور عمده از چنگ خط سازشکارانه لیبیرالها بدر آمده و در مسیر نیازهای واقعی انقلاب به حرکت در آمده است اما هنوز دو وزنه سنگین به پایهای آن آویخته است

نگاهی کلی به مضامین نطق آقای میرحسین موسوی - وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد
قبل از هر چیز، نشان میدهد که سیاست خارجی کشور ما بطور عمده امروز دیگر از جنگ آمریکائی بقیه در صفحه ۲

کسب تکلیف ریاست مجلس شورای اسلامی از امام خمینی و نامه جوابیه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که روز یکشنبه گذشته انتشار یافت، میتواند سر آغاز دوران نوینی در "حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران" و مقابله با توطئه‌ها و کیدهای آمریکا و ضدانقلاب بشمار آید، آفاق تازه‌ای در برابر مردم رنج دیده میهن ما بگشاید و شالوده مستحکمی برای سومین مرحله کامل انقلاب شکوهمند ما ایجاد کند.

امام خمینی با ابراز اعتماد به مجلس شورای اسلامی و وقوف بر خصلت مردمی اکثریت آن که در "خط امام" عمل می‌کنند و به میهن انقلابی خود و مردم زحمتکش شهروده و وفادار هستند، دست مجلس را باز گذاشته‌اند تا در زمینه تدوین قوانینی که در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارند اقدام کنند. امام خمینی به مجلس شورای اسلامی اختیارات مهمی برشالوده نظارت مقام رهبری بر قوای سه گانه داده‌اند که اگر درست و به موقع از آنها استفاده شود، میتواند گره‌گشای بسیاری از مسائل و کارهای فروبسته اجتماع ما باشد، مسائلی که دو سال ونیم است حل و فصل ضروری آنها به تاخیر افتاده است. تا این مسائل اساسی که از ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی ژرفی آب میخورد حل نشود مردم انقلابی میهن ما نمی‌توانند مطمئن باشند که جمهوری اسلامی ایران حفظ شده و انقلاب به پیروزی قطعی رسیده است.

بقیه در صفحه ۹

آمریکابرای واکنش سریع خیز برمی دارد

طرف روند تثبیت نهادهای قانونی را کند می‌کند و از سوی دیگر به تشنج در کشور دامن می‌زند، در خدمت همین توطئه است. تحریک و بسیج ضد - انقلابیون در سیستان و بلوچستان، آذربایجان، کردستان و ... قسمت دیگری از این طرح است فشار اقتصادی هم که مدت‌هاست برای ایران انقلابی وارد می‌آید و همین چندی پیش ژاپن، متحد آمریکا، با اعلام فسخ قرار داد خرید نفت از ایران در حقیقت گوشه دیگری از این فشار اقتصادی را به نمایش گذاشت. ژاپن حدود یک سوم نفت ایران را می‌خرد و طبیعی است که قطع چنین منبع درآمدی، در صورتیکه منبع قابل اتکا دیگری جای آن را نگیرد، چه دشواری در امر اقتصاد مملکت پدید می‌آورد.

در کنار همه اینها و باز مهم‌تر از همه اینها تدارک وسیع امپریالیسم آمریکادر منطقه برای حمله نهایی به ایران است. بقیه در صفحه ۱۰

رجوی‌ها را هم برای صاف کردن جاده تسلط کامل بر ایران می‌خواهند، آن‌ها نوکرگوش به فرمان می‌خواهند، شاه و پینوشه و سادات و مارکوس می‌خواهند. امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا جنایتکار برای دستیابی به این هدف‌ها و استقرار مجدد سلطه خود بر ایران تاکنون هرچه در توان داشته، و می‌توانسته، کرده است. لیکن دیدیم که طبع گورگاه آمریکا ثبات شد. نوزده به کودتائی علیه ریشه‌های گندیده آمریکا در ایران بدل شد. . . . و جنگ صدام، محرک جنگی بزرگتر علیه خود وی و نظامش. اینک آمریکا، راه دیگری را می‌آزماید، توطئه دیگری را به مرحله اجرامی گذارد، عناصر اصلی این توطئه جدید ایجاد هرج و مرج در داخل کشور، جلوگیری از تثبیت نهادهای قانونی، تقویت نفاق و چنددستگی بین نیروهای انقلابی ایران، واردا وردن فشار اقتصادی هرچه بیشتر و ایجاد کانون - های تشنج در گوشه‌های مملکت است ترور مقامات دولت انقلابی که از یک

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا که در این پایان قرن همه جا با جنبش‌های توده‌ها و با انقلاب‌های ریشهای استقلال طلبانه روبروست، هارتر از همیشه برای دریدن خلق‌ها و انقلاب‌ها آماده شده است تا شاید مرگ محتوم خود را به تعویق بیاورد. امپریالیست‌ها در هر جا که جنبش انقلابی در کار گستن بندهاست جنگ و دندان نشان می‌دهند و ناوگان کشتی می‌کنند. یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین این نقاط خاورمیانه و در قلب آن ایران است.

انقلاب ضد استبدادی، ضد - امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، زخمی عمیق بر پیکر امپریالیسم بود. این تیر به قلب راکفلرها، ریگان‌ها، تاجرها، هیرویتوها . . . اصابت کرد و زهر در کام ضیاء الحق‌ها، سادات‌ها، ملک‌فیدها و . . . ریخت. آمریکا و متحدان آن نمی‌توانند این انقلاب را تحمل کنند، آن‌ها حتی "دولت میانه‌رو - تری" را هم نمی‌توانستند و نمی‌توانند تحمل کنند، آن‌ها لیبیرال‌ها و بنی صدرها و

ارتش صدام

فرومی ریزد

(مقاله‌ای درباره وضع

درونی ارتش صدام

اقتباس از طریق الشعب

ارکان مخفی

حزب کمونیست عراق

شماره ۱۰

اواسط ژوئیه ۱۹۸۱

صفحه ۱۰

مائو و سایه نیاکان باستان

کهنه در تفکر سیاسی، در شیوه‌ها و ترفند - های مبارزه سیاسی، در رفتار اجتماعی چینی‌ها، و در خود ساختار اجتماعی آن کشور است. و از اینجا چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که، توضیح روندهائی، که در چین معاصر روی می‌دهد، بدون درک ویژگیهای تمدن و فرهنگ سیاسی چین که آموزش "کنفوسیوس" و عقاید "شان یان" هسته مرکزی آن بود، غیر ممکن است.

دانشمندان زحمات زیادی کشیدند، تا نه فقط عقاید سیاسی و بقیه در صفحه ۳

غیر عادی است، در رابطه فوق العاده سیاست و تاریخ است. در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب می‌توانست چنین در - یافتی بوجود آید، که گویا چنین پیوند خود با هزاره‌های باستان را می‌گسلد، که رهبران آن حاضران از سنت‌های کهن در فرهنگ و ایدئولوژی، در همه گستره‌های زندگی مادی و معنوی دست بردارند. لیکن رویدادهای سالهای ۵۰ و سپس ۶۰ - ۷۰ قرن بیستم نشان داد که موضوع به مراتب بفرنج تراست. بسیاری حوادث حاکی از حفظ سنت‌های

مدت مدیدی است که پدیده عجیب و غریبی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. در طول مدت بیش از ۳۰ سال موجودیت جمهوری خلق چین، هر بار که در کشور بحران سیاسی نوبتی شعله‌ور می‌شود، یا یکی از جنجال‌های ایدئولوژیک همیشگی گسترش پیدای می‌کند، به همراه آنها، و گاهی اوقات در مقدمه آنها، مباحثات بسیار شدیدی (با نتیجه‌گیری‌های سازمانی) درباره امور و اشخاص قرون بس گذشته در میگیرد. سیر این پدیده فرهنگ سیاسی، که برای دیگر دولت‌ها

مستضعقان
در مراسم شکوهمند
تنفیذ حکم ریاست جمهوری
حجت الاسلام خامنه‌ای:

امام خمینی

"از همه کسانی که این ملت باز حمت خودش، آنها را به مقامی رسانده است می‌خواهم که تمام توان خودش را برای خدمت این مستضعقان و خدمت این بی‌غول نشین‌های بیچاره و خدمت به این زاغه‌نشینان صرف کنند و انشاء الله بعد از استقرار حکومت که الان دیگر تمام شد از همه جهات و عذری برای

هیچیک از شما هان نیست، برای این که سابقا کار شکنی می‌شد و حالا شما همه متفاهم دارید و کار شکنی هیچیک برای دیگری نمی‌کنید، همه هم فکر و هم صدا قیام کنید و برای مستضعفین و برای این ملت که به همه ما و به همه شما دارد و حق دارد، برای آنها خدمت کنید و انشاء الله موفق شوید."

رئیس جمهور

حجت الاسلام خامنه‌ای

"این وحدت امید آفرین (بیش از ۱۶ میلیون از ۱۷ میلیون رای به یک شخص) که مردم ما در روز دهم مهر ماه از خود نشان دادند، پاسخی شایسته و سزاوار می‌طلبد."

"ما به روشنی می‌دانیم که مردم پاکدل و بی‌آلایش ما در روز دهم مهر ماه نه به یک شخص بل به خط و جریان رای اعتماد دادند."

"همه کوشش خود را بکار می‌بریم تا دوره جدیدی که در جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌شود، دوره خدمت به محرومان و مستضعفان و دوره تجلی کامل اراده باری تعالی در قطع ریشه استکبار و استضعاف اجتماعی و اقتصادی داخلی در میهن اسلامی ما باشد."

درباره بیمه بیکاری

طرح بیمه بیکاری با نیازهای

کارگران یک جامعه انقلابی

متناسب نیست

اما از آن جایی که تدوین قوانین کار و تامین اجتماعی به گونه‌ای که شایسته انقلاب بزرگ میهن ماست، همچنان ضرورتی مبرم و درنگ ناپذیر به شمار می‌آید و نیز به این سبب که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد خود به سالها اشتغال، تعمیم بیمه و برخورداری از تامین اجتماعی در همه شرایط و به مثابه حقی "همگانی" دلالت دارد، چنین بحث‌هایی نه تنها باید ادامه یابد، بلکه ناگزیر باید جامعیت یابد و پهنه‌های بیشتری را در برگیرد. از این نظر مقاله حاضر نه تنها یک بررسی اجمالی پیرامون طرح بیمه بیکاری و کوششی است در راستای طرح درست مساله.

بقیه در صفحه ۹

در تاریخ ۲۴/۴/۶۰ از سوی وزارت کار و امور اجتماعی رئیس طرح بیمه بیکاری انتشار یافت و قائم مقام این وزارت طی مصاحبه‌ای بیان داشت که این طرح پس از نظر خواهی از کارگران و دست‌اندرکاران مسائل کار و کارگری برای تصویب به مجلس شورای اسلامی داده خواهد شد.

انتشار "طرح بیمه بیکاری" در مطبوعات نظریات گوناگونی را بدنبال داشت که در مواردی چند حاوی دیدگاه‌های روشنگرانه‌ای بود. متأسفانه این بحث سازنده که در صورت تداوم و گسترش خود می‌توانست راهگشای نگرشی جامع‌تر به مسائل کارگری و قوانین و حقوق کار بطور اعم باشد، پس از چندی در بوته فراموشی فرورفت.



مائو و ...

بقیه از صفحه ۳
 رویدادها و معنای سیاسی آنها را روشن کرده است.
 مائو نمی خواست به این واقعیت تن در دهد که آموزش کنفوسیوس همچون سلاحی علیه بینشها و سیاست و باقی ماند است. اگر نزدیک ترین آدم او خیانت کرده و صایای کنفوسیوس را علم می کرد، پس می بایست هم منافقین و هم بدعت و نفاق را ریشه کن ساخت. مائو نیست ها، که به هرگونه حادثه غیر مترقبه در چین عادت کرده بودند، لازم بود که به نحوی خبر خیانت لین بیائو را ندانند. به همین سبب نخست شروع کردند "منتقلی چون لیونائوچی" را رسوا کنند و سپس به دیگران بپردازند سپس خیانت های لین بیائو را اعلام کردند، که یکی از آنها، وهولناک ترین آنها در نظر مائو نیست ها، این بود: لین بیائو با استناد به کنفوسیوس علیه تشدید و خاتم در مناسبات با اتحاد شوروی هشدار می داد. هنوز در سال ۱۹۶۰، در آغاز هجوم مائوئیستی به مواضع حزب، همین لین بیائو بود، که باز هم با استفاده از سخنان کنفوسیوس اعلام کرده بود: "اگر دونفر با هم خصومت ورزند، از یکدیگر نفرت میکنند و اگر بین آنها توافق برقرار باشد، آنها باهم دوست می شوند". گویا از همان زمان شوروی سستی و رهبری مائوئیستی چین را لین بیائو، بطوریکه بعدا گویا تحقیق شده است، به دفعات محکوم می کرد، "افراطی"، "زیاده از حد" و "اشتباه آمیز" می نامید. به نظر مائو، نیست ها، این مطلب می بایست همگان را به خیانت کاری لین بیائو معتقد سازد طبق داده های دیگر، لین بیائو با قاطعیت مخالف خط مائوئوسه دون - جوشن لای جهت نزدیکی چین به ایالات متحده آمریکا بود.

لین بیائو در محافل خصوصی هواداران خود نظریه کنفوسیوس مبنی بر "اداره ناسانگرایانه کشور را مورد تمجید قرار می داد، و به رعایت اصول کنفوسیوس خیر خواهی، انسان دوستی، عدالت، صداقت و گذشت فرامی - خواند. در هر حال اینها بود آنچه که تبلیغات چین به او نسبت می داد تا به اصطلاح عمق سقوط او را نشان دهد. در حالیکه بالین بیائو، تسویه حساب می کردند کنفوسیوس را هم فراموش نمی کردند و خواستار می شدند تا "اورانیز" مانند موشی، که از جلوی راه رده می شود، بزنند زیرا که لین بیائو و دوستانش سخنان کنفوسیوس را تقریباً به همان نام "سوی فعالیت های خودشان مبدل کرده بودند. چنین نیت سو قصد کنندگان را مثلاً نمونه می آورند: "باید خودداری کرد، برای اینکه به قوا عدگپنه رجعت کرد" در پس این سخنان کنفوسیوس، که لین - پیائو آنها را نوشته بود، دعوت به احیای نظریه و سیاست تدوین شده در کنگره هشتم حزب را می دیدند، سخن دیگر نقل شده از کنفوسیوس، دائر بر اینکه "هر که به خیر خواهی تکیه می کند رشد می کند و هر که به قهر متکی است از بین می رود" به معنای انکار "انقلاب فرهنگی" تعبیر می شد. مائوئیست ها مدعی بودند که با این سخنان - "باید سلطنت های از بین رفته را احیا کرد، ریشه قطع شده" - تسلط را از نو پیوست، برکنار شدگان از وظایف را به کار دعوت کرد - لین بیائو نقشه خود را برای انشعاب در حزب، برای تجدید تقسیم حاکمیت، برای ایجاد کمیته مرکزی نو طرح کرده بود. مولف کتاب مذکور می گوید که "لین بیائو" مانند دن تو و اوخان، نه فقط به نفوذ و اعتبار کنفوسیوس رجوع میکرد بلکه انسانگرایی کنفوسیوس، ستایش دانش و غیره را در مقابل خود کامگی مائوئیستی قرار می داد، یعنی آن عناصر مغفولی از آموزش کنفوسیوس را در نبرد با مائوئیسم وارد می کرد، که در شعور عادی هر چینی پدیدار شده بود.

مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

رأی به آقای خامنه ای رأی به خط امام بود

● نماینده مردم ممسنی:

● نماینده مردم نطنز:

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته شاهد مراسم تحلیف سومین رئیس جمهور ایران، حجت الاسلام سید علی خامنه ای بود. در این مراسم حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ضمن سخنانی یادآور شد که: رأی به ایشان (رئیس جمهور) یعنی رأی به امام، به روحانیت، به انقلاب و به مجلس و رأی به خط امام رأی به ایشان یعنی محکوم کردن خط انقلاب. رئیس مجلس هم چنین جوابیه امام خمینی رهبرانقلاب را به مجلس در رابطه با امر ولی فقیه و دادن اختیار به نمایندگان مردم برای حل مشکلات اساسی انقلاب و نشانه اعتماد ایشان به مجلس دانست.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته روز یکشنبه ۱۹ مهرماه تشکیل شد. در این جلسه ابتدا سید حسن شاه چراغی نماینده مردم دامغان به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی در آغاز سخنان خود با اشاره به نقش اخیر مهندس بازرگان در ارتباط با وضعیت کنونی کشور گفت:

"من فکر نمی کردم بعد از آن تروریسم کورو کوری که در ایران به راه افتاده بود و بسیاری از خادمان به ملت و بزرگان و علما و چهره های محبوب این مردم را گرفت و بعد از افشای خیانت و وابستگی سران تروریست ها و منافقین برای کسی در بطلان راه آنها و حقانیت راه مردم تردیدی باقی مانده باشد."

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سفرش به کشورهای هند و پاکستان گفت: "دشمنان ما گسترده عمل می کردند. میلیونها تومان در روز خرج می کردند، روزنامه هارا می خریدند چهره هارا می خریدند، با علما ارتباط برقرار می کردند... در حالی که ما هیچ اقدام موثری در زمینه تبلیغاتی تا به حال به شکل منظم نکرده بودیم."

دومین ناطق پیش از دستور این جلسه محمد علی بهار تی نماینده مردم جهرم بود. وی طی سخنانی به ثمرات و نتایج سفر هیئت ایرانی به کنفرانس بین - المجالس که چندی پیش در هاوانا پایتخت کوبا برگزار شد، اشاره کرد، آن گاه به دیدار فیدل کاسترو رهبر کوبا با اعضای هیئت نمایندگان ایران پرداخت و ضمن تشریح استقبال گرم کاسترو از ایرانی ها، تاکید کرد که کاسترو چپ های امریکائی را عامل ترورها و انفجارهای اخیر کشورمان می داند. ناطق سپس از قول کاسترو چنین گفت: "من می دانم که شما به رویاهای خود می رسید و موفق میشوید"

● با تصویب قوانین انقلابی باید جواب دست های پینه بسته

کوخ نشینان را داد.

● برخورد با فریب خوردگان باید انسانی و حساب شده باشد.

کهنطقه خاورمیانه را از لوث نفوذ امپریالیسم پاک کنید.
 "نماینده" مردم جهرم سپس یادآور شد که کاسترو "مسائل را استادانه تجزیه و تحلیل می کرد و" هر وقت اسم امام می آمد کرنش می نمود "وی افزود "وقتی از کاسترو دعوت شد که به ایران بیاید و با امام خمینی ملاقات کند سلام نظامی داد و گفت: "افتخار می کنم."

پس از پایان نطق های پیش از دستور حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس ضمن سخنانی به نامه جوابیه امام خمینی به یاد شاه عربستان اشاره و از آن تحلیل کرد. آنگاه تذکرات برخی نمایندگان از سوی رئیس مجلس عنوان شد و سپس مجلس کار بررسی لایحه تشکیل "سازمان بازرسی کل کشور" را ادامه داد. کل این لایحه در این جلسه به تصویب رسید.

در دومین جلسه علنی مجلس که روز سه شنبه تشکیل شد، حجت - الاسلام سید علی خامنه ای ضمن مراسمی که در حضور اعضای شورای نگهبان، هیئت دولت، شورای عالی قضائی، رئیس دیوان عالی کشور و جمعی از معلولین انقلاب و خانواده های شهدا برگزار شد، سوگند یاد کرد.

پیش از این مراسم، حجت - الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس طی سخنانی با اشاره به نامه امام خمینی به مجلس درباره مرولایت آنرا نشانه اعتماد - امام به اکثریت نمایندگان مجلس دانست و اظهار امیدواری کرد که در امر قانونگزاری مجلس به "افراط و تفریط" کشیده نشود وی در بخش دیگری از سخنان خود به نویسندگان و گویندگان و نیز ارباب جراید در مورد گفتار و نوشته هایشان تذکراتی داد و گفت: باید مراقب باشند که مبادا بیانه های دست مخالفان بدهند و مایه بی ثباتی یا ممانعی در راه اهداف صحیح اسلامی گردند."

رئیس مجلس آنگاه در ارتباط با مراسم تحلیف ریاست جمهوری ضمن سخنانی به شرکت عظیم و گسترده جامعه در انتخابات اخیر اشاره کرد و تاکید کرد که رأی به (حجت الاسلام خامنه ای) رأی به خط امام بوده است.

پس از سخنان رئیس مجلس، حجت الاسلام سید علی خامنه ای، رئیس جمهوری، مطالبی بیان داشت. وی در آغاز سخنان خود یادآور شد که در این انتخابات مردم به یک "جریان" رأی دادند و نه به یک شخص. رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنان خود گفت: بر تاریخ کوتاه جمهوری اسلامی دوره ای گذشته است که رئیس جمهور در فهم و معنای ریاست جمهوری اشتباه و تصور میکرد که ریاست جمهوری یعنی سلطنت

لین بیائو، در آخرین نبرد پیروز نشد او مرد، اما مائو هم در این زدو خورد پیروز نشد، با وجود اینکه دستگاه عظیم تبلیغاتی در اختیار او بود، غیر از برد تاکتیکی، مبارزه علیه لین بیائو و کنفوسیوس رو به پرفرته به سود مائو و آموزش او تمام نشد. افزون بر این، با مرگ مائو شکست مائوئیسم و بحران ژرف آن چنان واقعیتی شدند، که جان نشینان

کار این گروه ها می دانم."
 وی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن یادآوری این نکته که باید مسئله برخورد با این گروه ها را جدی گرفت و ضابطه های آنرا به حد اقل رسانید، خاطر نشان ساخت که:

"در روز حکم ریاست جمهوری آقای خامنه ای، حضرت امام به مسئله ای که بطور جدی پرداختند قضیه همین فریب خوردگان داخلی بود. کلمه ای که بزرگان مملکت روی آن تکیه می کنند و درباره اینان بکار می برند، فریب خورده بودن آنها است و امام عزیزمان و حضرت آیت الله منتظری بالحنه سوژناک و کرارا ریاست محترم مجلس روی این نکته نیز تکیه نمودند و من روی همین کلمه به نمایندگان محترم و مسئولان امر یادآور می شوم که برخورد با اینان خیلی حساب شده و سنجیده باشد."

در این جلسه همچنین "لایحه تاسیس سازمان تربیت بدنی و ورزش جمهوری اسلامی" برای بررسی و تصویب به کمیسیون مشترک نخست وزیری آموزش و پرورش و وزارت دارایی و استخدامی ارجاع شد همچنین کلیات لایحه نحوه باز - نشستگی و باز خرید خدمت کارکنان مازاد بر احتیاج دولت و کلیات لایحه مراجع به اعاده به خدمت کارکنان بازنشسته دولت مطرح شد که کلیات این دو لایحه از تصویب نمایندگان گذشت. همچنین یک فوریت طرحی درباره تعیین تکلیف نمایندگان که بیش از ۳۰ روز متوالی و ۶۰ روز غیر - متوالی در سال غیبت غیر موجه دارند، مورد تصویب قرار گرفت. در این جلسه، همچنین آقایان حسین کمالی و خسرو نائی نمایندگان جدید مجلس شورای اسلامی که عضویت آن هادر مجلس مورد تصویب قرار گرفته بود، مراسم تحلیف به جا آوردند.

رئیس دیوان عالی کشور ضمن اشاره به مسئولیت های عظیمی مانند تقویم بخشیدن به انقلاب و حفظ و مراقبت از خطوط اصلی آن و حل مسائل امنیتی و اقتصادی، بازگشائی دانشگاه و حل مسئله جنگ و بیامدهای آن که در برابر ریاست جمهوری قرار دارد، اظهار امیدواری کرد که بتوان با وجود امکانات بسیاری که در اختیار است، این مسئولیت - ها را به نحو احسن انجام داد.

در این جلسه همچنین احمد کاشانی نماینده مردم نطنز و قمر به عنوان ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی در آغاز سخنان خود به نطق پیش از دستور مهندس مهدی بازرگان درباره وضع کنونی کشور که در جلسه روز چهارشنبه گذشته مجلس به عمل آمد، اشاره کرد و ضمن تاکید بر مخالفت خود با مواضع آقای بازرگان اقدام معترضین را که منجر به قطع این نطق و تشنج مجلس شد، مورد انتقاد قرار داد. وی در بخش دیگری از سخنان خود یادآور شد که: "عنوان مطالبی حتی خلاف واقع این حسن را دارد که مردم که اصلی ترین عامل انقلاب هستند خود شناسایی کنند و تصمیم لازم را اتخاذ کنند، همانطور که در مورد بعضی از نمایندگان طرد شد چنین کردند"

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود بمسئله اعدام ها و ترورها اشاره کرد و گفت:

"مسئله دارای همه ابعاد سیاسی اقتصادی، اجتماعی و خصوصاً انسانی بوده و از اهمیت فوق العاده و ویژه ای برخوردار است و من آن را بزرگ ترین جنایت و زوال استعمار از آمریکای جهان خوار گرفته تا سایر متجاوزین به حقوق ملت ها و رهبران و مسئولان تیم"

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله اعدام ها و ترورها اشاره کرد و گفت:

کونی او هم نتوانستند آن را پوشیده دارند. لیکن بجای این که با شجاعت و قاطعیت میراث خانمان برانداز مائو - ئیسم را بدور اندازند، جان نشینان او را بهبود بخشیدن به آن، تصفیه آن از بعضی منفورترین جنبه هایش را در پیش گرفتند تا شاید آموزش مائو راجات دهند از بحران در آورند و آنرا بخشی از فرهنگ ملی چین کنند. غافل از اینکه روی چنین

زمین لرزانی نمی توان سیاستی بنا کرد که پاسخگوی منافع ملی باشد. و از کجا معلوم، که با زهم مزاحمت سایه های نیاکان باستان ضرورت پیدانکنند، تا به حکمفرمایان گوشزد شود که دلسوزی برای رفاه خلق بالاترین وظیفه نهاست.

(از "عصر جدید" شماره ۳۰ سال ۱۹۸۱)

با تحکیم و تقویت صف متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را درهم شکنیم!

امپریالیسم آمریکا دندان نشان میدهد

دنیا با شتاب بسوی دگرگونیهای بنیادی پیش میرود و همزمان با این روند اجتناب ناپذیر تاریخی، مقاومت نیروهای واپس گسرای امپریالیستی در برابر این دگرگونی ها نیز افزایش می یابد. سراسر گیتی صحنه رویارویی خلق ها با امپریالیسم غارتگر و سه ویزه امپریالیسم آمریکاست. رویارویی هرجا شکلی بخود میگیرد. گاه تظاهرات و راه پیمائی های چند صد هزار نفری با شعار صلح و منع سلاح نوترونی است، گاه دیگر رگبار مسلسل و گاه فریادهای خشم آلود مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل. اما شکل ها هر چه باشد محتوی یکی است. دنیای کنونی ما دیگر تاب تحمل نظام غارتگر سرمایه داری و بیامدهای ناشی از آن را ندارد. هر حادثه ای که امروز در صحنه سیاست بین المللی روی میدهد، تنها در چارچوب این مبارزه جهان گستر خلق ها بر ضد امپریالیسم غارتگر قابل درک، تفسیر است. تنها بر این پایه است که می توان بین گلوله های که بر قلب سادات نشست و گلوله های که بر قلب یک مزدور دیگر آمریکائی در السالوادور می نشیند خویشاوندی منطقی یافت. اکنون منطقه خاور نزدیک و میانه به یکی از کانون های شعله ور این رویارویی تبدیل شده است. از هنگامیکه انقلاب افغانستان و پس از آن انقلاب بزرگ ایران زیر پای امپریالیسم را جارو کرد، منطقه خاور نزدیک و میانه به مرکز توطئه های ضد انقلابی شیطان بزرگ و دستیارانش تبدیل شد. هدف از تمام این توطئه ها متوقف کردن موج انقلابی بر خاسته در منطقه و سپس سرکوب آن بود. در شرایطی که امپریالیسم جهانی دیگر نمیتواند چون دوران گذشته با مداخله مستقیم نظامی جنبش های انقلابی را سرکوب کند، نقش اصلی در اجرای این توطئه ها بعهده دست نشاندهگان محلی امپریالیسم که انقلاب های افغانستان و ایران به همان اندازه آنها را تهدید میکند و اگذار گردید. ضیاء الحق دست در دست سادات، اسرائیل، انگلستان، آمریکا، چین "مسئله افغانستان" را به وجود آورد، صدام به ایران حمله کرد، اینک مصر و سودان لیبی را هدف گرفته اند و ملک حسن الجزایر را، در تمام این توطئه ها نیز عربستان سعودی با نثار دلارهای نفتی مداخله مستقیم دارد. حلقه های توطئه ها از شمال آفریقا تا جنوب آسیا گسترده شده است. امپریالیسم آمریکا و هم دستان اروپائیش تعرض خود را علیه جنبش های انقلابی و رژیم های مترقی منطقه آغاز کرده اند. پیمان استراتژیک آمریکا و اسرائیل تکیه گاه این تعرض ضد انقلابی است. آمریکا تپها در صحنه اند و اسرائیلی ها و جنایتکارانی چون نمیری و حنسی مبارک و ضیاء الحق و ملک خالد و دیگر بندگان گوش به فرمان آنها در پشت صحنه. خلق های این منطقه که به دلایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مذهبی میتوانند در یک جبهه نیرومند ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی گرد آیند و راه نفوذی غارتگران بین المللی را سد کنند، در اثر خیانت این خود فروختگان به روی هم تیغ میکشند. صدام خائن هزاران فرزند نیرومند عراق و ایران و میلیاردها ثروت این دو کشور را که میتواند در مبارزه عادلانه خلق های منطقه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم نقش موثری ایفا کند از میان برده و میبرد. هم اکنون نیز نمیری برای انجام چنین خیانت ننگینی بر ضد لیبی تدارک می بیند. اگر در عراق، آمریکائی ها در پشت پرده مخفی شده اند، در سودان بطور علنی در میدان هستند. آمریکائیها اعلام کرده اند که به سودان برای حمله به لیبی سلاح و کمک نظامی میدهند. هم اکنون سیل سلاح ها و مستشاران

تفسیر وقایع مهم جهان

امریکائی به خرطوم سرازیر شده است. درمانورهای بزرگی که بزودی با شرکت مصر و سودان و ارتش آمریکا انجام میگیرد، چتر بازان آمریکائی در منطقه هم مرز بالیبی پیاده میشوند. نمیری در مصاحبه خود با فرانس پرس آشکارا گفته است که برای سرکونی رژیم فذافی که دست نشاندۀ مسکواست به لیبی حمله خواهد کرد. هر سه کشور آمریکا، مصر، سودان، با کمال بیشرمی ادعا کرده اند که لیبی امنیت منطقه را بخطر افکنده است. معلوم نیست لیبی این کشور کوچک چند میلیونی چگونه میتواند مصر و سودان را که چندین برابر بزرگتر و نیرومندتر از لیبی هستند تهدید کند. از آن گذشته چه کسی به آمریکا حق داده است که داور بین المللی باشد. مداخله علنی آمریکا در منطقه روز بروز شکل خطرناکتری به خود می گیرد. سیاست سرکوب جنبش های انقلابی در جهان که حکومت ریگان آنرا سیاست رسمی خود اعلام کرده است، میتواند عواقب بسیار زیان باری برای صلح منطقه و جهان در برداشته باشد. هشدار دولت شوروی به امپریالیست های آمریکائی که می خواهند به بهانه مرگ سادات نیروهای نظامی خود را در مصر و سودان مستقر کنند و جنبش انقلابی خلق های آن دو کشور و دیگر کشورهای منطقه را سرکوب کنند، می تواند عامل بازدارنده نیرومندی در بستن دست ها ترین جناح امپریالیسم آمریکا در مداخله مستقیم نظامی باشد، اما بی تردید امپریالیسم از سیاست تحریک و برافروختن آتش جنگ بین کشورهای منطقه دست برندارند. توطئه های امپریالیستی و ضد انقلابی در هرجا شکلی ادامه خواهد یافت. در همان حال که نمیری و حنسی مبارک با تحریک آمریکا برای سرکونی رژیم فذافی در آفریقا توطئه می چینند در این سوی آسیا ضیاء الحق پاکستان را به سرپل ضد انقلاب تبدیل نموده است.

پاکستان مرکز توطئه ضد انقلابی

نقش پاکستان در کمک به امپریالیسم آمریکا برای توطئه های آن بر ضد هندوستان افغانستان و ایران روز بروز روشنتر میگردد. علیرغم تمام تلاش هاییکه دولتهای هندوستان و افغانستان برای برقراری مناسبات دوستانه با پاکستان و عقیم گذاردن طرح ها و برنامه های امپریالیستی در منطقه بعمل می آورند، رژیم ضیاء الحق همچنان به سیاست خائنه ضد انقلابی خود ادامه میدهد. مثلث آمریکا، عربستان سعودی، پاکستان به تکیه گاه ضد انقلاب جهانی در این منطقه تبدیل شده است. بی علت نیست که اسلام آباد به زیارتگاه بلند پایگان دولت های امپریالیستی تبدیل گردیده است. سفر اخیر تاجر نخست وزیر انگلستان به پاکستان، یکی دیگر از مظاهر قدر دانی استعمار نو از این نوکر سرسپردۀ خود بود. تاجر در این سفر به گفته رادوی بی بی سی "اصرار ورزید که او را به همز افغانستان ببرند. وی در مرز به "آن طرف" اشاره کرده گفت ما میخواهیم آن کشور آزاد باشد. سخنگوی دولت محافظه کار بریتانیا در حسرت "آزادی" افغانستان آهی کشد. کیسه تهی امپریالیسم بریتانیا به خانم تاجر امکان نمی دهد که چون عربستان سعودی، آمریکا و چین به منظور خرید سلاح و تجهیزات برای "مبارزان" افغانی صدها میلیون دلار خرج کند اما او نیز بقدر وسوس خود، دو میلیون دلار به آنان



اهدا کرد تا افغانستان را از جنگ دشمنان اسلام "دست نشاندهگان مسکو" آزاد کنند. هرجنبش انقلابی، هر مبارزه توده های در هرجای جهان اتفاق افتد امپریالیست ها آنرا به "عوامل مسکو" نسبت میدهند. در لیبی، در افغانستان، در ایران، در السالوادور، در جنبش و تظاهرات ضد جنگ در اروپا و آمریکا همه جا و همه جا "دست مسکو" در حرکت است.

اتهام کثیف به جنبش ضد جنگ

جنبش مبارزه علیه سیاست جنگ طلبانه آمریکا واقعاً مقیاس جهانی به خود گرفته است. در تمام کشورهای اروپا و حتی در خود آمریکا صدها هزار نفر به اشکال مختلف: امضا کردن طومار، راه پیمائی، تظاهرات، اعلامیه و غیره مخالفت خود را با سیاست مسابقه تسلیحاتی و بخصوص تولید سلاح های مرگبار تازه از قبیل بمب نوترونی و موشک های ام. اس. و غیره اعلام میدارند. تنها در آلمان غربی بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر طوماری را که در آن نسبت به استقرار موشک های آمریکائی در خاک کشورشان اعتراض شده است، امضا کرده اند. امپریالیست های آمریکائی این جنبش را نیز نتیجه تحریکات "مسکو" وانمود کرده

جزوهای از اصطلاح "اسناد" مربوط به ارتباط جنبش صلح را با اتحاد شوروی منتشر ساختند. بدنبال این اقدام لوزن دبیر کل ناتو ادعای اربابان آمریکائی خود را تکرار کرد و گفت سازمان های طرفدار صلح هلند از شوروی پول گرفته و زیر نفوذ شوروی هستند. سخنان لوزن با اعتراض جدی وزیر کشور هلند روبرو شد و او در پارلمان آن کشور از لوزن و سایر رهبران ناتو خواست از تهمت زدن به انسانهای شریفی که در جنبش صلح شرکت دارند دست بکشند.

جنبش صلح اکنون بصورت یک جریان نیرومند ضد امپریالیستی کمی توان تمام کارت های امپریالیست ها را برهم زنده می آید. این جنبش نیز یکی دیگر از اشکال رویارویی خلق ها با نظام جهنمی سرمایه داری است که در شرایط کنونی که خصلت ماجراجویانه امپریالیسم شدت یافته، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تمام مسائل دیگر در مقایسه با مسئله حفظ صلح که بقای جامعه بشری بدان منوط است جنبه فرعی و درجه دوم پیدا میکند. نظریه پردازان امپریالیستی میخواهند ثابت کنند که جنگ هسته ای - موشکی چندان هم خطرناک نیست و در صورت بروز جنگ نیز میتوان زنده ماند. شاید آنان درباره خودشان و موشکی سرمایه دار بزرگ که از هم اکنون پناهگاه های عمیق ضد اتمی برای خود آماده کرده اند، درست میگویند اما آنچه مسلم است در پایان یک جنگ هسته ای کره ما چیزی جز یک قبرستان بزرگ مستضعفان نخواهد بود. جنبش صلح کمی تواند دست جنایتکار آمریسان جنگ طلب را از حرکت باز دارد، کمک مستقیم به خلق های اسیر در مبارزه ضد امپریالیستی آنان است. جنبش ضد جنگ یکی از مهمترین عوامل باز دارنده امپریالیسم آمریکا در جنگ ویتنام بود و اکنون نیز این جنبش نقش مهمی در خنثی کردن ماجراجویی های جنگ طلبانه امپریالیستی در سراسر جهان دارد. مصائب و سنگینی بار جنگ بطور کلی بردوش حتمگشکان و به ویژه زنان می افتد. به همین دلیل نیز آنان هسته اصلی مبارزان ضد جنگ را تشکیل میدهند.

زنان در پیشاپیش جنبش صلح

از همان نخستین روزی که ریگان به تخت نشست و سیاست جنگ افروزانۀ امپریالیسم آمریکا را با وقاحتی بیش از اسلاف خود اعلان نمود، مبارزه با این سیاست نیز در اروپا، قاره ای که دو جنگ جهانی را از سر گذرانده است شکل گرفت. زنان در پیشاپیش جنبش صلح گام برداشتند. راه پیمائی مشهور صلح که با شرکت صدها هزار نفر طی ۲۵ روز در خاک کشورهای اروپای شمالی و غربی ادامه داشت و در آن صدها نفر از شخصیت های برجسته سیاسی، علمی و هنری نیز شرکت داشتند به ابتکار زنان روزی آغاز گشت. در هفته پیش کنگره جهانی در پراگ گشایش یافت. هزاران مانده از ۱۲۴ کشور جهان در این انجمن بزرگ که مهمترین مسئله آن حفظ صلح بود حضور داشتند. سخنرانان در این کنگره با صدای رسا اعلام کردند که حاضر نیستند فرزندان و همسران خود را در راه مظلوم امپریالیسم قربانی کنند. دلیل نگرانی زنان را از سیاست جنگ افروزانۀ امپریالیسم به آسانی میتوان در کرد کرد. در آمریکا بزرگترین و ثروتمند ترین کشورهای اروپا و حتی در خود آمریکا بزرگترین کشورهای سرمایه داری جهان، دارو دسته ریگان میخواهند از پولی که برای کمک به معلولان دادن چاشت به کودکان، پرداخت مدد معاش به بیکاران و سایر نیروهای رفاهی پرداخته میشود بکاهند و آنرا به مصرف ساختن بمب نوترونی و سلاح های شیمیایی و دیگر سلاح های مرگبار برسانند در سایر کشورهای سرمایه داری نیز سابقه تسلیحاتی هزاران مصیبت به بار آورده می آورد بدبختی هر خانواده نیز قیل از هر چیز بدبختی زن خانواده است. زنها دیگر حاضر نیستند به سیاست ماجراجویانه امپریالیسم تن در دهند و این را آشکارا در کنگره خود اعلام کردند.

شد: "قرارات دولت آمریکا در صورتی که وضع در منطقه خلیج فارس بحرانی و به حالت استثنایی در آید، مناطق و تأسیسات نفتی خلیج فارس را در اختیار بگیرد..." (۱۹ خرداد ۵۸ - کیهان) در گوشه و کنار مملکت نیز تشنج هایی روی می داد که همگی حکایت از توطئه گری آمریکا و عمال آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران داشت. هر چند دکتر بزدی آنها را به حساب آخرین تقلای "استبداد" می گذاشت و معتقد بود که: ... درهم کوبیده شدن یک استبداد ۵۸ ساله... این تشنجات و تحریکات رانیز دارد... (۱۷ خرداد ۵۸ - کیهان) و همین سیاست بود که تا ملاقات با برزیل سکی و سقوط دولت لیبرال ها، ادامه یافت. (ادامه دارد)

دولت ایران و آمریکا دارد... (۳۱ اردیبهشت ۵۸ - کیهان) تازہ، همان طور که در بالا گفتیم، دکتر بزدی بعنوان مفسر قانون اساسی آمریکا، مدتی بعد حساب سنای آمریکا را از دولت آمریکا جدا کرد، تا این "تناقض آشکار" را به حساب تناقض بین سنای آمریکا و دولت آمریکا بگذارد! عباس امیران نظام هم که بعداً بجرم جاسوسی برای آمریکا به حبس ابد محکوم شد، هول هولکی به وسط برت و صدور قطعنامه سنای آمریکا را به حساب صهیونیست ها گذاشت: "... کسی که بیش از حد از موقعیت انقلاب ما لطمه خورد و ضرر دید، صهیونیست ها هستند..." (۵ خرداد ۵۸ - کیهان) و همۀ این نهاد درست زمانی بود که: "طرح آمریکا برای اشغال نظامی خلیج فارس" منتشر

لیبرال آنهم تحت فشار افکار عمومی و رهبری انقلاب به تصویب رسید. بفرمان دیگر، دولت موقت تمام تلاش خود را برای بهبود روابط ایران و آمریکا بکار می برد. ولی آمریکایی ها، با پیگیری سیاست خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، کار را خراب می کردند! آمریکائی ها اعلام عمال شاه در ایران، را محکوم می کردند و پاشا ملعون را به خاک خود می پذیرفتند و یا اینجا و آنجا کانون تشنجی می فروختند، ضد انقلاب را تقویت می کردند... در نتیجه سران دولت موقت مجبور می شدند چشم غره لطفی به آمریکا برونند: "... وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران از سفر جدید آمریکا در ایران خواست تا روشن شدن جوی سیاسی بین دو کشور سفر خود را به ایران به تعویق بیندازند... قطعنامه سنای آمریکا تناقض آشکار به روابط دوستانه میان

بنی صدر و متحدان

بقیاض صفحه ۷
فلا از طرف دولت ایران مطرح شده و عکس العملی که وزارت خارجه آمریکا نشان داده به ترتیبی نباشد که به روابط دو کشور نقد لطمه بزند که باعث توقف این روابط بشود... (۱۹ خرداد ۵۸ - عباس میران نظام)

برای جلوگیری از توقف همین روابط مورد نظر دولت مردان لیبرال بود که "بررسی قرارداد های دوجانبه بین ایران و آمریکا" مدت ها به طول انجامید و لغو قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا فقط در آخرین روز های قبل از سقوط دولت موقت

اشاره:

در شماره های قبل، کارنامه، ابوالحسن بنی صدر فراری را، بعنوان رهبر جبهه متحده ضد انقلاب، بررسی کردیم. این جبهه، بخشی از آن بعد از شکست مفتضحانه، سقوط و فرار بنی صدر، به مبارزه مسلحانه روی آورده، دارای چند بازوی اصلی است: لیبرال ها، مائوئیست ها و چپ رها به همراه ضد انقلابیون اصیل، یعنی ساواکی ها، طاعونیه ها و سرسپردگان رژیم گذشته، بازوهای هستند که مرکز ضد انقلاب جهانی - یعنی امپریالیسم آمریکا - و پایگاه های داخلی امپریالیسم، در ایران، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران، از آنها سود می جویند، تا به این یا به آن شکل (مسوخ انقلاب از درون یا ضربه کودتایی یا هجوم از خارج) انقلاب را سرکوب و بار دیگر رژیم ضد انقلابی را در ایران مستقر کنند.

اعضای جبهه متحده ضد انقلاب هم بر پایه خاستگاه طبقاتی خود و هم بر اساس تقسیم کار دارای شیوه های مختلف در مبارزه با انقلاب بوده هستند، اما از آنجا که همه این شیوه ها هدف یکسانی دارد و در استراتژی معینی می گنجد، بناچار مواضع سیاسی اعضای جبهه متحده ضد انقلاب در مسائل مشخص و تاکتیک آنها در کوتاه مدت نیز بر یکدیگر انطباق پیدا می کند. این انطباق، که به حکم شرایط عینی پیش می آید، چنان است که فی المثل خط حرکتی "یکبار" از چپ چپ با خط حرکتی "میزان تاراست راست" یکسان از آب درمی آید. وقتی مبارزه طبقاتی شدت می گیرد و جامعه هر چه بیشتر قطبی می شود، اعضای مختلف جبهه ضد انقلاب با هم متحد می شوند و در شکل خود همه نیرو را برای سرکوب انقلاب بسیج می کنند.

در این میان سرمایه داری لیبرال، که هم بعلاوه سابقه طولانی خود در جامعه از نظر طبقاتی و سیاسی، و هم بدلیل ارتباط ارگانیک با جبهه جهانی ضد انقلاب، دارای سیاسی چند جانبه و زیرکانه است، نقشی بیغایت بفرنج و مکارانه بر عهده دارد. در ایران، نقش سرمایه داری لیبرال، به دلیل این که سیاستمداران نماینده آن هنوز هم می توانند زیر ماسک "اسلام" پنهان شوند، حساس تر، پیچیده تر، بفرنج تر و لذا خطرناک تر است. درست به همین دلیل است که وقتی اعضای چپ روی جبهه متحده ضد انقلاب با اعمال ماجراجویانه در خدمت امپریالیسم فرار می گیرند و دسته دسته اعدام می شوند، سرمایه داری لیبرال، که بارها و بارها افشا شده، می تواند خود را از زیر ضربه خارج کند. سرمایه داری لیبرال، که با اصطلاح سرخود را هم کرده تا توان بگذرد، مترصد فرصت می ماند، تا در لحظه لازم به میدان بیاید و هر خود را به کام انقلاب بریزد. "اتحاد مردم"، که بعد از بررسی "کارنامه بنی صدر" یکی از متحدان مائوئیست - آمریکایی او، یعنی حزب ساخت و پیکر پرداخته "رنجبران" را معرفی کرد و پیوند عضو آن را با جبهه متحده ضد انقلاب برهبری بنی صدر فراری نشان داد، از این شماره به بررسی کارنامه یکی دیگر از اعضای جبهه براندازی یعنی سرمایه داری لیبرال ایران می پردازد.

از آنجا که سرمایه داری لیبرال ایران، در مرحله اول پس از پیروزی انقلاب قادر به تشکیل دولت شده و هنوز هم در زمینه سیاسی و هم به ویژه در عرصه اقتصادی دارای نفوذ و ریشم است، بررسی سیاست های آن باید عمیق تر و همه جانبه تر انجام شود.

"اتحاد مردم" از این شماره و جبهه مختلف سیاست سرمایه داری لیبرال ایران، خواسته و اهداف آن را در مقابل مهمترین مسائل انقلاب، در دو سال و نیم بعد از پیروزی انقلاب، در معرض قضاوت خوانندگان می گذارد.

لازم به تذکر است که اگر در این مقالات از مهندس مهدی بازرگان و یا اشخاص دیگر (بغیر از ضد انقلابیون فراری چون نژیرو...) نام برده شده، بخاطر ستمی است که در دولت موقت داشته اند و مواضعی است که در آن سمت ها اتخاذ کرده اند، و گرنه "اتحاد مردم" با هیچ یک از اشخاص یاد شده مسئله یا خصومت شخصی ندارد.

توده های میلیونی خلق با فریادهای "مرگ بر آمریکا" و "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" آخرین ده های رژیم منور بهلولی را فرو ریختند و راه را برای برپایی اولین دولت انقلاب هموار کردند. دولت موقت بناچار باید در قدم اول تکلیف خود را با دشمن اصلی خلق های ایران روشن می کرد. در واقع سرنوشت هر دولتی که بعد از انقلاب روی کار می آمد، در نحوه برخورد با دشمن اصلی - امپریالیسم جهانی، بسیر کردگی آمریکا - تعیین می شد، زیرا مردم آشکارا ریشه کن کردن سلطه آمریکا را طلب می کردند و استقلال واقعی و همه جانبه میهن خود را می خواستند.

وقتی مهندس مهدی بازرگان، رهبر "نهضت آزادی ایران" در ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه روز ۱۶ بهمن ۱۳۵۷، به عنوان رئیس دولت موقت معرفی شد، قبل از همه چیز در مقابل این مساله حیاتی قرار داشت. اما از زمان روز ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷، که نخست وزیر برنامه خود را اعلام کرد، معلوم شد که این بهار سال نکوئی در پی نخواهد داشت:

... بنده ما شین سواری نازکنارنجی هستم که باید روی جاده های اسفالت و راه هموار حرکت کنم... (کیهان)

... و سپس... نباید انتظار داشت مملکت یک شبه ره صدساله بپیماید... (همانجا)

... در آخر هم تعریف و تمجید از شاپور بختیار خائن، که:

"... دولت آقای بختیار با این قصد و داعیه روی کار آمد که آزادی پس گرفته شده از مطبوعات را مجدداً برگرداند، حکومت های نظامی تهران و شهرستان ها را منحل سازد، تعطیل کند، آزادی اجتماعات بدهد، باقیمانده زندانیان سیاسی را تصفیه نماید... شاه را روانه خارج کند، و وعده ها و قسمتهایی از این برنامه انجام گرفت که بنده برای رعایت انصاف باید بگویم که دولت های قبلی نکردند و نتوانستند و یا نخواهند... (همانجا)

"... انقلاب ما ضد استبدادی... بوده است... (۱۶ اسفند ۵۷ - کیهان)

... و یا... حالا اگر انقلاب ضد استبداد کردیم... (۲۰ اردیبهشت ۵۸ - کیهان)

... در جای دیگر: "... یک زمانی بود که دو دشمن داشتیم یکی استبداد داخلی و دیگری استیلای خارجی، ولی هر دو عقب نشینی کردند، اولی سرنگون شد و دومی راه بهتری در پیش گرفت... (۱۴ مهر ۵۸ - سخنرانی مهندس بازرگان در مشهد)



لیبرال: مواظب باشید! با این قدر قدرت نمی توان درآمد!



آمریکا در برابر اتحاد مردم هیچ غلطی نمی تواند بکند!

البته مهندس بازرگان معلوم نکرد که بختیار چگونه و توسط چه کسانی روی کار آمد و وظیفه او چه بود؟ ولی این سخنرانی نشان داد که، از نظر نخست وزیر دولت موقت، وظایف انقلاب در همان روز ۲۱ بهمن ۵۷ به پایان رسیده و حالا فقط مانده بود که بختیار کنار برود تا: "... شاهپور خان بختیار را، دکتر بختیار حر بشود... (همانجا)

پس آمریکا چه شد؟ دشمن اصلی کجا رفت؟

رئیس دولت موقت در طول این سخنرانی فقط یکبار به "استیلای خارجی" اشاره کرد، که آنهم بسیار محترمانه بود، آری برخورد مهندس بازرگان با "استیلای خارجی" محترمانه (۱) است. همواره هم چنین بوده است. در تمام سخنرانی هایی که مهندس بازرگان، پس از انتصاب خود به سمت نخست وزیر، ایراد کرد حتی یکبار کوچکترین جملهای علیه آمریکا، که امام خمینی و مردم ایران آن را دشمن اصلی و "شیطان بزرگ" می دانند، نگفتند. مهندس بازرگان رئیس دولت موقت فقط تاکید بر این داشته است که:

متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۱)

هدف اصلی سرمایه داری لیبرال ایران: سازش با امپریالیسم آمریکا

معرفی کنند، سراغ صهیونیست ها رفتند، بدون اینکار تباطص صهیونیسم با امپریالیسم را مدنظر داشته باشند و یا به آن بها بدهند:

... صادق طباطبایی، سخنگوی دولت، اسرائیل و صهیونیسم بین المللی را عامل اصلی وقایع کردستان معرفی کرد... (۱۲ شهریور ۵۸ - کیهان)

... کسی که بیش از همه از موقعیت (ظ: موفقیت) انقلاب را مالمه خورد و ضرر دید صهیونیست ها هستند... (سخنران امیر انتظام، هنگام اعتراض سنا آمریکا به اعدام عمال رژیم گذشته - ۵ خرداد ۵۸ کیهان)

... خود آقای مهندس بازرگان هم عصاره این تفکر را چنین بیان می کرد:

... عوامل شاه مخلوع، صهیونیست ها، سرمایه داران، توده نفتی ها و مزاحمین پنج گروه ضد انقلابی جمهوری اسلامی ما هستند... (۱۱ مرداد ۵۸ - کیهان)

از این نمونه ها بسیار است، که در آنها از همه خبری هست، غیر از آمریکا و با چنین برداشتی از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بود که دولت موقت از آغاز در جهت نزدیکی با آمریکا گام برداشت.

پس باید به آمریکا نزدیک شد...

برای روشن شدن بیشتر مسئله، به نامه مهندس بازرگان، که پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا و افشای روابط "نهضت آزادی" با آمریکا، در روزنامه ها درج شد، اشاره می کنیم. مهندس بازرگان خود در این نامه به موضوع مواضع خود را در مقابل آمریکا روشن می کند، او می نویسد:

... پایه گذاران... نهضت آزادی نه تنها با آمریکا، بلکه با بعضی از کشورهای اروپا و نیز با دولت های وقت ارتباط های کم و بیش پنهانی داشته اند، نه تنها از چند ماه مانده به پیروزی درخشان انقلاب، بلکه از ۲۶ سال پیش بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲... (۲۰ بهمن ۵۸ - کیهان)

بعزبان دیگر، "نهضت آزادی" با دولت های بعد از کودتا و با کودتاگران، یعنی آمریکا و سایر عمال رنگارنگ امپریالیسم، همواره در تماس بوده است.

به دلایل مهندس بازرگان و اینکه "این اقدامات روی چه نیت و برای چه هدفی انجام گردیده... (همانجا) می پردازیم.

بنابه گفته مهندس بازرگان، هدف از این ارتباطها، که به مراحل با دولت های بعد از کودتا و عمال کودتا برقراری شدند، چنین بود:

... اولاً رساندن ندای خفه شده ملت ایران به دنیا... ثانیاً شاه... که با دسیسه و دستور دولت های بیگانه غربی و شرقی به ایران برگشته خائن و منفور است... و همکاری و پشتیبانی آمریکا و اروپا در بلندمدت به سود خود آنها نیز خواهد بود... (همانجا)

به این ترتیب لیبرال های ایران قصد داشتند به آمریکا، که در ایران کودتا کرده بود، اولاً بگویند: توندای ملت ایران را خفه کرده ای! ثانیاً به آمریکا، که شاه را سرکار آورده بود و از کم و کیف همه قضایا خبر داشت، بگویند که: چون شاه در ایران برای تو کار می کند، بین مردم منفور است! و از این ها گذشته برای آمریکا بی ها روشن کنند که اگر این کارها را ادامه دهید، عاقبت روزی مردم علیه شما خواهند شورید و منافع تان به خطر می افتد... چه توصیه دلسوزانه ای!

ظاهراً این کوشش های خستگی ناپذیر، که مرتباً ادامه داشت، در استان انقلاب فزونی می کرد. چرا؟ رئیس دولت موقت پاسخ می دهد:

... از یکی دو سال مانده به پیروزی انقلاب هدف... از برقراری ارتباطات (با آمریکا) دو منظور دخیل گردیدند... برگرداندن افکار عمومی اروپا و آمریکا از شاه و برداشتن حمایت همه جانبه نفع طلبانه ای که از او می نمودند... (همانجا)

... نکته نیز ناگفته نماند که منظور لیبرال ها

مکالمه!

نیفتند، مذاکره می کردند.
بر اساس همین نام افشاگران، سیاست دولت "گام به گام" مهندس بازرگان را پس از پیروزی انقلاب و در ارتباط با آمریکا مرور می کنیم: ... مهدی بازرگان ... در نخستین مصاحبه اش پس از به قدرت رسیدن با خبرنگار نیویورک تایمز گفت: سیاست ایران در نظر دارد صدور نفت را به همه قسمت های جهان از جمله به آمریکا آغاز کند ... بازرگان گفته است دولت انقلابی ایران مشتاق است روابط خوب خود را با آمریکا از سر گیرد ... به وی پیام سولویان سفیر آمریکا گفته است دولت ... از جمله گویاندهای چپ گرا به سفارت آمریکا بسیار بسیار متأسف است و آنانکه به این کار دست زده اند ازمانیتند ... (۳۰ بهمن ۵۷ - اطلاعات)

البته توجه دارید که چون مردم ایران هرگز با آمریکا روابط خوبی نداشته اند، نمی توانستند "روابط خوب خود را با آمریکا از سر بگیرند"، ولی درباره روابط خوب آمریکا با "نهضت آزادی" چه عرض کنیم! - روابط خوبی که مهندس بازرگان و اعضای دولت سوسی مرتباً بر آن تأکید دارند و خواستار ادامه آن هستند ... من بسیار متأسفم از آنچه (حمله به سفارت آمریکا) اتفاق افتاد. ما امیدواریم بتوانیم هم چیز را تحت کنترل در بیاوریم، تا دیگر این گونه حملات رخ ندهد. در این مورد اقدام فوری به عمل آمد و ویلیام سولویان سفیر آمریکا در ایران شخصاً به خاطر اقدام سوسی که در این مورد انجام گرفت از ما تشکر کرد ... (۳ اسفند ۵۷ - اطلاعات - گفتگوی مهندس بازرگان با نیویورک)

البته لیبرالها خوشبختانه این فرصت را پیدا نکردند که "همه چیز را تحت کنترل" بیاورند، تاز به خاطر کامل آمریکا را فراهم کنند و اربابان سولویان از آنها ساکس زار شوند.

در همین گفت و گو، رئیس دولت لیبرال - ها در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار آمریکایی مبنی بر اینکه: "آیا قصد دارید کوشش های در راه بهبود روابط ایران و ایالات متحده صورت دهید؟" می گوید: "... ما روابط دوستانه ای با ایالات متحده داشته ایم و میل داریم روابط دوستانه مان را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ کنیم ..." (همانجا)

دکتر سنجابی وزیر امور خارجه دولت وقت هم معتقد بود که: "... آمریکا ناگزیر است به پیروزی مردم ایران تن بدهد و در پی یافتن راه حل قابل قبولی باشد که ضامن منافع مشروع آمریکا را هم محفوظ بدارد ... (۱۳ اسفند ۵۷ - کیهان)

دکتر تیزدی می گفت: "... نفت را به دو کشور اسرائیل و آفریقای جنوبی خواهیم فروخت، اما به هر کشور دیگری که بخواهد می فروشیم ... (۳ اسفند ۵۷ - کیهان)

ویا: "... ایران ۱۰ درصد از سر گرفتن صدور نفت به کشورهای خارج منجمد است ... (۳۰ بهمن ۵۷ - کیهان - مصاحبه مهندس بازرگان با نیویورک تایمز)

ویا هم: "... آنچه مسلم است این است که مدت زمان زیادی لازم است که ایران از وجود کارشناسان (خارجی) فنی بی نیاز باشد، به همین جهت به مجرد اینکه دولت سازندگی را آغاز کند از این قبیل کارشناسان کمک گرفته خواهد شد ... (۱۱ فروردین ۵۸ - کیهان - سخنان امیرانتظام)

توجه دارید که این کارشناسان طبعاً آبستنی آمریکا می بودند. امیرانتظام این مسئله را بعدها به این صورت شگفت: "... ایران بی نیاز از کارشناسان خارجی نیست ... ما میلیارد ها دلار سلاح های مختلف گرد می ایم. مثلاً هواپیماهای اف - ۱۴ که داریم خلبانان ما می توانند با آن پرواز کنند، ولی از نظر نگهداری تخصص می خواهد ... (۱۸ فروردین ۵۸ - کیهان)

تخصص اف - ۱۴ اهل کجا می تواند باشد؟! دکتر تیزدی هم برای آنکه جای هیچ شبهه ای در این مورد باقی نماند، تأکید کرد که: "... برای تأمین لوازم پزشکی بدهی است که شایه خارج نیازمندید ... (۱۴ مرداد ۵۸ - کیهان)



... اختلافاتی که ما با آمریکا داریم عمدتاً بر سر مسائل مربوط به قرارداد های خرید اسلحه از آمریکا به مبلغ ۲۱ میلیارد دلار است ... (کیهان)

و اینک سازش با آمریکا ..

این نگرش دولت مردان لیبرال پایه سازش - هایی با آمریکا بود، که بتدریج در سیاست دولت لیبرالها، عمده بودن آنها به منصفه ظهور رسید، با استناد به اعمال و گفته های اعضای دولت موقت می توان گفت که دولت مهندس بازرگان هرگز در صدد قطع وابستگی ایران از آمریکا نبود و از نجا که شخص مهندس بازرگان عقیده داشت که: "... باید آهسته آهسته اما با اطمینان کامل پیش رفت ... (۳۱ اردیبهشت ۵۸ - اطلاعات)

ایران انقلابی آهسته آهسته بسوی وابستگی مجدد به آمریکا هدایت می شد، بسوی آشتی با آمریکا و طبعاً بازگرداندن آمریکا از پنجره: "... امیرانتظام (سخنگوی دولت) ... در مورد ملاقات سولویان سفیر آمریکا در ایران با آقای دکتر سنجابی ... گفت، ملاقات مشابهی نیز با من صورت گرفت که بحث بیشتر بر سر حفاظت سفارت آمریکا بود که مابین منظور گارد سفارت در اطراف آن مستقر شد. درباره مرکز وابسته های نظامی سفارت آمریکا در سلطنت آباد آقای امیرانتظام گفت که سفیر در ملاقات خود با من درخواست کرد که اجازه استفاده از پرونده های سری خود در مراکز مذکور داده شود. در این مورد با آقای دکتر تیزدی صحبت شد و موافقت به عمل آمد که وابسته های نظامی آمریکا از پرونده ها استفاده نکنند ... در مورد اینکه آقای دکتر سنجابی اظهار داشته است که سولویان باید برود معاون نخست وزیر (سخنگوی دولت) گفت رسماً چنین موضوعی نیست و این موضوع مربوط به وزارت خارجه آمریکا است ... (۱۳ اسفند ۵۷ - اطلاعات)

به زبان دیگر، آمریکایی که، در اثر پیروزی انقلاب، از مواضع خود به طور موقت عقب نشینی کرده بود، به همت دولت موقت لیبرالها، با ویرجین پاورچین جلومی آمد مدتی بعد نیز، یعنی در تاریخ ۱۵ شهریور ۵۸، شرکت ملی نفت ایران که توسط حسن نزیه اداره می شد، از آمریکا نفت سفید خرید. حسن نزیه، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، در برابر اعتراضات مردم اظهار داشت:

... هدف اصلی از این عمل ... رعایت احتیاط لازمه و برای مقابله با افزایش ناگهانی مصرف در فصول مختلف سال است ... علت خرید ... از یک شرکت غیر دولتی و مستقل آمریکایی این بود ماست که فروشنده یکی از خریداران عمدتاً چندین ساله نفت خام از شرکت ملی نفت ایران بوده و بنابراین مناسب ترین شرایط فروش را پیشنهاد نمود ماست ... (۱۵ شهریور ۵۸ - کیهان)

و این دروغ محض بود. سخنگوی انجمن اسلامی شرکت ملی نفت ایران صراحتاً اظهار داشت:

... اکنون شرکت نفت طبق قراردادی با بهای بسیار سنگین نفت سفید از آمریکا می خرد ما با ارائه کشورهای دیگری که به مراتب نفت ما را به ما ارزانتر خواهند فروخت، خواستار عقد قرارداد با

آنها شد ما هم که مدیریت نپذیرفته است ... (۳ مهر ۵۸ - کیهان)

... مهندس بازرگان ... بدون اطلاع از واقعیت ... انجام هرگونه انتقادی را از سوی مردم عمل ضد انقلابی می خواند ... (همانجا - انتقاد آبدانی ها از دفاع بازرگان از نزیه)

حالا معلوم است که دفاع رئیس دولت موقت از حسن نزیه "بدون اطلاع از واقعیت" هم نبوده است، زیرا که این دفاع حتی بعد از افشای رابطه حسن نزیه با سفارت آمریکا نیز بی وقف و ادامه یافت ماست.

در حقیقت نخست وزیر لیبرالها از شخص نزیه دفاع نمی کرد، از خط مشی او دفاع می کرد، کمورد حمایت و تأیید خود می بود. بی جهت نبود که مهندس بازرگان وزیر دفاع وقت آمریکا، در همان زمان اعلام کرد که: "... فکری کنیم بتوانیم روابط دوستانه ای (با ایران) برقرار کنیم ... (۷ اسفند ۵۷ - کیهان)

و کار مهندس بازرگان که می گفت: "... هرگز در دولت خود با حزب کمونیست توده های نیروی مارکسیستی دیگر همکاری نخواهد کرد ... راهی برای همکاری با آنها وجود ندارد، زیرا که همیشه خیانت می کنند ... (۹ اسفند ۵۷ - کیهان)

به جای رسیدن آمریکا می گفتند: "... مادر سطوح مختلف با هر بیان تازه ایران در تماس هستیم و سخنان کارتر مبنی بر علاقه آمریکا به برقراری روابط دوستانه و همکاری کامل با دولت تازه ایران با استقبال رهبران این کشور روبرو شده است ... (۲۵ بهمن ۵۷ - کیهان)

خرید نفت از آمریکا البته فقط آغاز کار بود. جای پای امپریالیست ها "گام به گام" هموار می شد. مدتی بعد دکتر مولوی رئیس بانک مرکزی ایران، که بعداً از ایران گریخت، رسماً اعلام کرد:

ایران برای جلب سرمایه های خارجی تلاش می کند ... ما از سرمایه گذاری کشورهای عضو بازار مشترک در بخش کشاورزی ایران استقبال می کنیم ... (۲۰ فروردین ۵۸ - کیهان)

سخنگوی دولت نیز اعلام کرده که: "... دولت در نظر دارد که روال کار به صورت عادی و به همان سیستم گذشته برگردد ... (۲۷ فروردین ۵۸ - کیهان)

یعنی مردم به اشتباه انقلاب کردند. حالا هم که مرتکب این اشتباه شده اند، باید اجازه بدهند، ما کارها را به شکل قبلی بازگردانیم، شکل دلخواه آمریکا! حسن نزیه اعلام کرد: "... ناچار هستم اعتراف کنم که موجود پارامی از کارشناسان خارجی نیازمند هستیم، ۷۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری شده که سه چهارم این طرح ها به تمام رسیده و یک چهارم آن باقی مانده است. ولی متأسفانه کارشناسان خارجی به علت عدم امنیت حاضر به ادامه کار در ایران برای انجام این طرح ها نیستند ... (اول اردیبهشت ۵۸ - کیهان)

همین خود را می بود که مقاسمات وزارت خارجه آمریکا به آنهاست و اعلام کردند که: "... دولت جدید ایران به واشنگتن علامت داده است که می خواهد از طریق مبادله سفیر روابط دو کشور را بهبود بخشد ... (۱ اردیبهشت ۵۸ - کیهان)

روز بعد هم اعلام شد: "... سفیر جدید آمریکا در ایران تعیین شد ... (۵ اردیبهشت ۵۸ - کیهان)

و این همزمان با اعلام فروش نفت به آمریکا بود!

دکتر تیزدی وزیر امور خارجه دولت موقت بعدها در این مورد گفت: "... کاتلر قبلاً سفیر آمریکا در زئیر بود و قبل از آنکه من به وزارت خارجه بروم پذیرش وی را داده بودند ... (۱۷ خرداد ۵۸ - کیهان)

البته وضع کاتلر به اندازه های خراب بود که "ایران توافق خود را با انتصاب کاتلر به سفیر کبیری آمریکا در تهران پس گرفت. کاتلر قرار بود بزودی فعالیت خود را به عنوان سفیر آمریکا در ایران آغاز کند ... (۱۶ خرداد ۵۸ - کیهان - سخنان هادی بنگ کارتر)

ولی نیامدن کاتلر به معنی توقف تلاش برای برقراری روابط خوب با آمریکا نبود: "... اگر دولت آمریکا علاقه مند است که روابط خود را با دولت جمهوری اسلامی ایران بهبود بخشد، باید سفیری بفرستد که دارای سوابق بهتری از کاتلر باشد ... (دکتر تیزدی ۱۷ خرداد ۵۸)

تازه همین پس گرفتن توافق درباره کاتلر هم به نظر سخنگوی دولت موقت رفتار نامناسبی بود. امیرانتظام بیش از اینها می خواست: "... من امیدوار هستم که این مطالبی که بقیه در صفحه ۵

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها...

پیام ها و تلگرام های تبریک به مناسبت انتخاب و تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت الاسلام خامنه ای

حزب توده ایران

ریاست جمهوری اسلامی ایران
حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای

کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شمارابه مقام بر جسته ریاست جمهوری اسلامی ایران صمیمانه تبریک می گوید. مردم ایران برای شکستنده شانزده میلیونی اعتماد عمیق خود را به جمهوری اسلامی ایران و به شخص شما ابراز داشته و نشان دادند که به انقلاب بزرگ خود که مهمترین حادثه تاریخ چند هزارساله کشوراست عمیقاً دل بسته و آماده اند که از آن دربرابر انواع توطئه های ضدانقلاب داخلی و خارجی باتمام قوا پشتیبانی کنند.

جناب آقای خامنه ای!

شماره شرایط دشوار و در عین حال امیدبخشی به این مقام شامخ انتخاب شده اید. اعتماد مردم نسبت به شما تصادفی نیست. زندگی پر بار گذشته و استواری شما در نبرد قاطع علیه استبداد و امپریالیسم و در راه استقرار عدالت اجتماعی، متانت شما در لحظات حساس پس از پیروزی انقلاب این امید و اطمینان را به مردم می دهد که شما می توانید در این لحظات دوران ساز در مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران نقش ارزنده ای ایفا کنید.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با تجهیز همه قوای ضدانقلاب داخلی و خارجی قصد آن دارد که به جمهوری اسلامی ایران مجال تثبیت و تحکیم ندهد، تجاوز آشکار به مرزها و خرابکاری، ترور، آدم کشی، محاصره اقتصادی، تبلیغات زهرآگین علیه جمهوری اسلامی ایران و بهیچتر از همه تفرقه افکنی و از بین بردن و مخدوش کردن مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران از جمله وسایلی است که امپریالیسم برای رسیدن به هدف های شوم خود بکار گرفته و بدون تردید در آینده ناقصاوت و شدت بیشتری به کار خواهد گرفت.

در برابر این خصم درنده و اذیت

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

حضرت حجه الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور

انتخاب آن حضرت را به ریاست جمهوری اسلامی ایران و تنفیذ این امر بزرگ را از سوی امام خمینی - که برکات وجود عالی شان مستدام باد - تبریک گفته و توفیق کامل آن مبارز آزموده و استوار را در پیشبرد و تحقق هدف های انقلاب، با ساداری استقلال و تمامیت ارضی کشور، ادا محنت تا پایان بیروزمندان به برصد تجاوزگران صدامی و سرکوب توطئه های امپریالیسم آمریکا، استغفار امنیت شامل در سایه قانون اساسی و کمک به تکفکی استعدادهای متنوع افراد ایرانی در محیط عدل و برابری و آزادی خواستارم. والسلام

دبیر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران
۶۰/۷/۲۰

جمعیت ایرانی هواداران صلح

حضرت حجه الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور

باعرض بهترین تبریکات به مناسبت انتخاب حضرت عالی به ریاست جمهوری اسلامی ایران و تنفیذ رای مردم از سوی حضرت امام خمینی مدظله العالی، توفیق مساعی آن حضرت را در تحقق و گسترش هدف های والای انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، پیروزی در جنگ با رژیم تجاوزگر صدام، تدمیر توطئه های ضدانقلاب داخلی و خارجی، استقرار حکومت قانون و تأمین عدل و برابری و آزادی برای عموم آرزو دارم.

دبیر اول جمعیت ایرانی هواداران صلح
۶۰/۷/۲۰

اعلامیه مشترک

سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانشجویان پیشگام ایران

برای تحقق واقعی دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی، برای برآوردن

نیازهای رشد و توسعه جمهوری اسلامی ایران،

دانشگاهها و مدارس عالی

باید هرچه سریع تر گشوده شوند!

در زیر بخش هایی از این اعلامیه از نظر خوانندگان می گذرد:

شورای انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش گروه های متعدد و متخصص کار خود در راه نتیجه رساندن و در باز شدن دانشگاه ها در این سال حداغلائی توان خود را به کار گیرد. از پیام امام خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۰ شمسی، سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز شد که، علیرغم رهنمودها و تاکیدات امام خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بر بازگشایی دانشگاهها در سال جاری و علیرغم وعده های مکرر مسئولین و دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی"، مراکز آموزش عالی کشور همچنان تعطیل است. این امر گرانی دهها هزار دانشجو و حدود یک میلیون دیپلمه پشت کنکور و میلیون ها پدر و مادر بیصفاک از آینده فرزندان و میهن عزیزشان را، که چشم انتظار گشایش دانشگاهها در اول مهر ماه بودند، برانگیخته است.

سازمان دانشجویان پیشگام ایران و سازمان جوانان توده ایران بر مبنای سرنوشت جوانان و دانشجویان میهن - مان احساس می کنند، ضرور می شمارند که با رد دیگر مواضع خویش را درباره "انقلاب فرهنگی" و مسئله دانشگاهها بیان دارند و توجه مسئولین و دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی" را به ضرورت بازگشایی هرچه سریعتر مراکز آموزش عالی کشور جلب کنند.

در اعلامیه آمده است: "ما نکرات تاکید کرده ایم که دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را با تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی ملازم ندانسته و نمی دانیم. و به عکس معتقدیم که تنها در صورت فعالیت تمام بخش مراکز آموزش عالی و شرکت فعال همه دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، بدون هرگونه تک نظری و انحصار طلبی است که می توان چنین "انقلاب فرهنگی" ای را تحقق بخشید. ما گفتمایم و تکرار می کنیم، در شرایطی که قریب به ۲۰۰ هزار

درا اعلامیه آمده است: "ما نکرات تاکید کرده ایم که دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را با تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی ملازم ندانسته و نمی دانیم. و به عکس معتقدیم که تنها در صورت فعالیت تمام بخش مراکز آموزش عالی و شرکت فعال همه دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، بدون هرگونه تک نظری و انحصار طلبی است که می توان چنین "انقلاب فرهنگی" ای را تحقق بخشید. ما گفتمایم و تکرار می کنیم، در شرایطی که قریب به ۲۰۰ هزار

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

دریغ ندارید و این راهم ثابت کردید. زن و مرد، بچه و بزرگ شخصیت حجت الاسلام خامنه ای، این مبارز بزرگ را می شناسند و از گذشت و فروتنی بی حد و حصرا و مطلع هستند و شخص رئیس جمهوری منتخب ۱۶ میلیون نفر را از خود می دانند و برای حفظ او و پیشبرد کار او آماده هرگونه ایثار و خدمت هستند.

ما زنان هم با نهایت احترام و فروتنی نیرو، وقت و فکر خود را در اختیار شما می گذاریم و امیدواریم که بتوانیم به جمهوری اسلامی ایران، به

های کنونی بی می بریم. یکی از پیامدهای زیانبار تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی این است که قریب به ۲۵ هزار دانشجوی گروه پزشکی - از جمله حدود ۶ هزار دانشجوی رشته پزشکی - از تکمیل تحصیل باز مانده اند.

دانشگاهها و مدارس عالی ما، با امکانات موجود، نمیتوانند سالیانه حدود ۴ هزار فارغ التحصیل گروه پزشکی، ۹ هزار فارغ التحصیل رشته های مهندسی و فنی و قریب به ۱۵۰۰ فارغ التحصیل کشاورزی را به جامعه تحویل دهند و همین مقدار می تواند بخشی از کاستی های موجود را برطرف کند و روند باز سازی مبین انقلابی را تسریع بخشد.

آیا ادامه تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی موجب آن خواهد شد که در درازمدت مسئولین امر مجبور شوند بجای بهره گیری از فارغ التحصیلان داخل کشور، که عموماً از ما استعداد - ترین جوانان هستند و در عین حال بخشی از آنان از خانواده های متوسط و زحمت کشند، از فارغ التحصیلان خارج از کشور برای اداره چرخ های اجتماعی، اقتصادی و اداری جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند؟

سیس در اعلامیه می خوانیم: "امام خمینی در ۲۳ فروردین ۱۳۶۰، در ملاقاتی با مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی دگرگونی را بر گشایش هر چه سریعتر دانشگاهها تاکید کردند. ایشان در این ملاقات صراحتاً گفتند: "همه نیروی خود را برای بازگشایی دانشگاهها تجهیز کنید"، و متذکر شدند: "پس از بازگشایی اصلاحات لازم به فوریت انجام گیرد".

فقیه عالیقدر آیت الله منتظری نیز مکرراً بر اهمیت بازگشایی سریع دانشگاهها و مدارس عالی تاکید داشته اند. ایشان در مصاحبه با روزنامه "کیهان" (۵۹/۱۲/۴) چنین گفتند:

"... اما آنچه اعلان به نظرمی - آید این است که انقلاب فرهنگی هر چه زودتر باید انجام بگیرد و بعد از آن دانشگاهها باز بشود. روی همین اصل من بارها به شورای انقلاب فرهنگی سفارش کردم که سعی نکنید کار دانشگاه پزشکی، دندان - پزشکی، داروسازی و اینچوررشتف بقیه در صفحه ۱۱

مردم ایران در برابر دشمنان خونخوار داخلی و خارجی خدمت بنمائیم و آرزو مندیم که شما تندرستی کامل خود را با بازیابید و در این امر خطیر که به عهده شما گذاشته شده موفقیت در همه زمینهها به دست بیاورید.

برای شما عمر طولانی آرزومی - کنیم و امیدواریم که از گزند دشمنان داخلی و خارجی در امان بمانید و باز تکرار می کنیم که ما برای انجام وظایف محوله گوش به فرمان داریم و با جان و دل آماده خدمت هستیم.

طرح بیمه بیکاری...

بقیة از صفحه ۱

نخست باید گفت که تدوین "طرح بیمه بیکاری" فی نفسه نشانگر توجه مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی به مسائل مشکلات کارگران و بنابراین مثبت و به لحاظ هدفی که تعقیب میشود قابل تأیید است. در واقع انقلاب و فرزند آن، نظام جمهوری اسلامی ایران که محور طاغوت مفسی را و وجه همت خود فرار داده، باید هر چه مطمئن تر و سبکتر بر دربارین راستا گام بردارد. مبارزه تاریخی زحمتکشان ایران که تجسم زنده آن هم اکنون در حاکمیت انقلابی موجود بازتاب مسلم دارد، خود مطمئن ترین و بنیاده تدوین و اجرای قوانین انقلابی آینده بتاماری رود. "طرح بیمه بیکاری" به این ترتیب و در جای خود بی شک بخشی از آن جارجویی است که باید ساخته و پرداخته شود. و اگر سخنی هست نسبتاً از بابت نشان دادن نارساییها و حتی المغدور کمک مشخص به بهبود آن...

اما طرح بیمه بیکاری نمی تواند جدا از کل مسائل اقتصادی یعنی برنامه ریزی اقتصادی کشور، مساله اشتغال و بزه و حق کار برای شهروندان و در مقام نخست کارگران و زحمتکشان باشد. به عبارت دیگر اساساً قانون کار و بیمه های اجتماعی باید در برتو نصوص شرح قانون اساسی ناظر بر ایجاد چنان سالی اسواری باشد که با استفاده از برنامه ریزی جامع و کلی اقتصادی صلا بر تصمیم حق کار و تضمین بهره وری انقلابی و اساسی از آن قرار دهد. چنین مساله ای تا کز بر قدرت جذب نیروی کار را به انصاف کشور ارزانی خواهد داشت. همچنان که موافقت و پیروزی نیروی کار و حمایت همه جانبه از زحمتکشان راه کمک قانون کار مترقی با من خواهد کرد. به این ترتیب هم کار و زندگی زحمتکشان از دست بردارنگار و فرمانان عارنگو بیکاری های ناخواسته ممنون خواهد ماند. هم مجموعه قوانین کار - نه انبوهی از سازه های پراکنده و شت نامربوط و ناقص - نظام همسسته و جامعیتی از کار خواهد آمد که همچون اعظم مطمئنی سلاص - ابعه انقلابی و مبارزه قانونی و عادلانه کارگران و زحمتکشان را راهبر خواهد شد. روشن بر گوئیم، فی المثل، "طرح بیمه بیکاری" وزارت کار با آن که ظاهراً بر تکلیف دولت در ایجاد زمینه اشتغال تأکید دارد، این امر که تنها در کنار اشتغال و بر پایه آن می توان به بیمه بیکاری اندیشید و ارتباط منطقی این دو، تا کز بر مسکوت می ماند. باری، کمترین نارسایی این گونه "طرح" های خورد و پاره پاره نیز همین است که پیوند اصل و فرع را از نظر می افکند، علت پنهان می ماند و عارضه بر جایگاه ممتاز و مقدم قرار می گیرد. بدیگر سخن در طرح، این نکته ملحوظ نیست که مهم تر، ایجاد سرباطی است که بیکاری ناخواسته حتی الامکان پیش نیاید و از حمله با تأمین زمینه مساعد برای فعالیت های تولیدی و اقتصادی گسترش اشتغال حاصل شود.

بهر حال، تأزمایی که جامعیت کارکنان کار به همان قوت دفاع از حق آنان به کمک طرح اصولی مسائل عام و در کنار آن جارماندیشی های لازم برای تضمین این حقوق، و رعایت آن ضوابط، وجهه همت وزارت کار و دیگر مسئولین در برتو قرار نگیرد، نسخه های متنوع مسکن، چاره ساز درد های عمیق زحمتکشان نخواهد بود.

چه باید کرد؟

اما این مهم چگونه عملی خواهد بود؟ و نیز، ما در نظر گرفتن این که مسائل کارگری و قوانین کار از دامنه گسترده های برخورد دارند، فرمول بندی و تدوین یک طرح جامع نه فقط برای تأمین کار و صندوق بیکاری بلکه بمنظور پاسخگویی به مسائل اشتغال، دستمزد، شرایط کار و حقوق و تکالیف کارگران، این همه از عهده کدام مرجع ساخته

است؟ در جوابگوئی به این سوال نخست باید تعیین کنیم کدام نهاد وجه کسانی صلاحیت تشخیص و تعیین نیازهای زحمتکشان و حقوق حقه آنان را دارا هستند؟ تجربه نشان داده است که نمایندگان راستین از میان خود کارگران یعنی تشکل های ویژه صنفی از قبیل اتحادیه و سندیکاها اساسی ترین ارکان انجام چنین رسالتی به شمار می آیند. همین جا باید افزود که تشکل های شورایی زحمتکشان نیز، بویژه در شرایط کنونی تکامل انقلاب ایران، باید سهم حدی خاص خود را در این کار ادا کنند. زیرا وظیفه "همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور" جز در برتو ایجاد شرایط ضرور و در مرکز آن تأمین حقوق کار زحمتکشان عملی نیست.

متأسفانه، همزمان با انتشار طرح، دعوت عام به اظهار نظر پیرامون آن دیده می شود. اما نه دعوت از سندیکاها و شوراهای کهن نمایندگان ارکان صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان محسوب می شوند، حال آن که تنها با بذل توجه به اصابت نظر سازمان های سندیکائی و شورایی کارگران می توان شرایط تصحیح و تکمیل طرح های مربوطه را فراهم آورد.

حال، گذشته از این که "طرح بیمه بیکاری" نشانگر عدم برخورد مسئولین به مجموعه مسائل کارگری مبتاب یک کل جامع و همسسته است و صرف نظر از آن که حتی یک قانون کار همه جانبه نیز تنها با گذشتن از صافی نمایندگان راستین کارگران، یعنی انجمن های صنفی و شوراهای امکان پیدایش می یابد، ذکر پاره ای از نارسایی های موجود در مواد "طرح بیمه بیکاری" را بویژه از نظر تأکید بر اسلوب نگرش به مسائل کار و نگارش قانون کارگری ضروری دانیم.

دو باید تصریح کرد که طرح - هایی از این دست به مثابه چاره اندیشی های ضرور در جهت حمایت از زحمتکشان نمی تواند چندان مفید و کار ساز باشد، مگر آن که در رشمول خود واحد جامعیت باشد و مثلاً بیمه بیکاری تمام کارگران را اعم از کارگران فصلی، ساختمانسی، کارگران کشاورزی و زحمتکشان صنوف گوناگون و واحد های کوچک را که در بیشتر موارد زیر پوشش بیمه نیستند، در برگیرد. در غیر این صورت، حتی اگر قانون روی کاغذ تصویب شود، از نظر اجرا توفیقی نخواهد یافت و معضل بیکاری همچنان لاینحل باقی خواهد ماند.

قانون

و مسئله اخراج کارگران

بنا به اظهار قائم مقام وزارت کار، اجرای بیمه بیکاری راهی است در جهت حذف ماده ۳۳ قانون کار کنونی، حال با توجه به این که مطابق ماده ۱۲ "طرح بیمه بیکاری" رسیدگی به اختلاف کارگر و کارفرما همچنان به مراجع حل اختلاف (مدرج در قانون کار) واگذار شده و در ماده بعدی (۱۳)، طرح صریحاً صندوق بیمه بیکاری را از ورود به مسائل و مناقشات مربوط به روابط کار منع کرده است، مساله برنخیزی می شود. توضیح آن که هیات های حل اختلاف بنا بر سوابق موجود تاکنون کمترین سود کارگران عمل کرده اند و بویژه در جارجوب ضوابط گذشته اساساً در جهت منافع کارفرما تشکیل می شده اند. بگذریم از آن که وظایف قبلی این هیات ها نیز به همین دلیل به صورت تأخیر دراز مدت در اخذ تصمیم و حل مناقشات کارگر و کارفرما تعبیر عملی یافته اند. به این ترتیب نظر به مفهوم "بیکاری غیر ارادی" که در طرح افاده شده - و این خود جارجوب سیال و مقوله ای کشنده به شمار می آید، این سوال باقی می ماند که "طرح" چگونه به حذف ماده ۳۳ قانون کار کمک خواهد کرد؟ زیرا ضوابط اخراج یا بقاء کارگر کماکان غایب است و جانشینی برای ماده ۳۳ وجود ندارد. پس آنچه از قلم افتاده است شرایط اخراج کارگران است که باید دقیقاً و بطور مشروح تعیین و روشن شود تا کارفرما شخصاً نتواند تصمیم بگیرد و در این تصمیم از مساعدت احتمالی ضوابط قانونی بیمه بیکاری نیز مستقیم یا غیر مستقیم سودجوید. گذشته از همه

مجلس شورای...

بقیة از صفحه ۱

انقلاب مادر سومین مرحله تکاملی خود، در همانا وردی با توطئه های آمریکا و پایگاه های داخلی آن موفق نخواهد شد، مگر آن که به یک رشته تدابیر بنیادین در زمینه های حساس اقتصادی و اجتماعی دست زند و خواستگاه طبقاتی لیبرالیسم و وابستگی طاغوت - گرائی را در معرض تهاجم قطعی انقلابی قرار دهد و بنا بگذرد. این تدابیر باید با یک سلسله قوانین تسجیل و تثبیت شود تا ارکان های اجرائی و نهادهای انقلابی بتوانند کار حیاتی حفظ جمهوری اسلامی و وظیفه تاریخی به پیروزی رساندن قطعی انقلاب را به سرانجام برسانند. زندگی نشان می دهد که مهم ترین این تدابیر - و قوانین مربوط به آنها - باید بویژه در زمینه های زیر اتخاذ گردد:

۱- اجرای اصلاحات ارضی واقعی و ریشه ای (الفی بزرگ مالکی اعم از فئودالی و سرمایه داری، زمیندار کردن دهقانان بی زمین و کم زمین، فراهم سازی زمینه برای اعتلای کشاورزی سالم و مستقل و خودکفا)

۲- کوتاه کردن دست واسطه های عارتگر و دلانان و سرمایه داران کلان (ملی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد شبکه دولتی توزیع، گسترش و تقویت شبکه تعاونی، مبارزه با تورم و گرانی)

۳- تعیین تکلیف انقلابی برای اراضی و ساختمان های شهری (حل مسئله حاد مسکن و قطع یزد زمین خواران و دلانان، تداوم کار ساختمانی)

۴- تأمین عدالت اجتماعی (تعديل ثروت ها، جلوگیری از غارت بی بندوبار با زین گرفتن اموال غصبی و احقاق حقوق با ابطال شده مردم)

۵- احیاء امور اقتصادی (به راه انداختن چرخ صنایع، ایجاد رشته های تولیدی مستقل و سالم، تنظیم امور مالیاتی طبق روح انقلاب، تداوم ملی شدنیا، تقویت انواع تعاونی ها در تولید و توزیع و مصرف)

تدوین و تصویب قوانین برای عملی ساختن این تدابیر، اگر چه مدنیت است که از حادترین مسائل جامعه انقلابی ما بوده، تاکنون بعلم مختلف از حمله سنگ اندازی ها و اشکال تراشی های که در راه آن می شده، چه از جانب لیبرال ها و چه از سوی روحانی نمایان صدخط امام و بعلمت بیانه ها و عذر ها که به دستاویزهای مختلف تراشیده می شده، چه از طرف ناگشاین چه از جانب مارفین، چه طاغوت مشاشنه و چه قشری گرایانه، بعهدده تعویق افتاده است. ولی جامعه انقلابی ما دیگر نمیتواند تحمل تعویق کند. تعویق به معنای "اختلال در نظام جمهوری اسلامی" است، عدم

تصویب و اجرای این قوانین به معنای ایجاد "فساد" و "خرچ" است، یعنی موجودیت جمهوری اسلامی ایران را دچار مخاطره می کند، شالوده آن را فاسد میکند و از بین می برد و آنچنان مشکلات و نتگناهائی ایجاد میکند که میتواند به بهای سنگینی تمام شود. مسائل نامبرده مستقیماً با نگاهداری یا برعکس یا ضربه زدن به پایگاه های ضد انقلاب، با تضعیف یا برعکس یا تقویت پایگاه اجتماعی انقلاب رابطه دارد. هر اقدامی در جهت نامبرده، اگر انجام شود ("فعل آن") موجب نابودی امکانات ضد انقلاب شده و بزرگ مالکی یا کلان سرمایه داری، فساد و طاغوت زدگی، غارت و بوسیدگی را از بین می برد و در برابر دهقانان زحمتکش و توده محروم شهر و روستا، یعنی همه مستضعفان را راضی و شاد میکند و صف انقلاب را تقویت میکند. اما اگر اقدامی در جهت نامبرده انجام نگیرد، یا بیش از این به تعویق افتد ("ترک آن")، چنین موردی برعکس، موجب جان گرفتن عمال شیطان بزرگ و اذتاب آمریکایی - شود، بساط چپاول و ستم و زورگویی و بهره کشی بی حساب را میکشاند، مردم زحمتکش را در شهرونده ناراضی و پراکنده و ناامیدی سازد و مستقیماً به پشتیبانان و مدافعین انقلاب صدمه میزند.

بنابراین، اینگونه مسائل دیگر تنها مربوط به منافع گروهی از مردم و زندگی روزمره این یا آن دسته نیست. دیگر تنها این یا آن مشکل جزئی اقتصادی و اجتماعی مطرح نیست، بلکه اساساً خود نظام و ضرورت حفظ آن مطرح است.

۶- مابا توطئه های پیاپی و بسیار متنوع آمریکا و با خرابکاری های ضد انقلابیون روبرو هستیم و نمی توانیم از "حفظ نظام جمهوری اسلامی" چشم ببوشیم. مرحله سوم انقلاب ما که در رویارویی سیاسی با لیبرال ها و دار و دسته بنی صدر و اذتاب آمریکا کامیابی بدست آورد، اگر در عرصه های اجتماعی و اقتصادی نیز پیروز نشود، اگر پایگاه های لیبرال ها و وابستگان و پیوستگان آمریکا و در درجه اول بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری را از ریشه ها بود نکند، نه فقط به جلونخواهد رفت، بلکه از درون خواهد پوسید، فاسد خواهد شد مسخ خواهد شد و همان پیروزی معین سیاسی اولیه اش نیز زیر علامت سؤال قرار خواهد گرفت و راه برای بازگشت لیبرال ها و "معتدلین میانه رو"، مطابق نسخه آمریکا، بسوی اریکه قدرت سیاسی نیز باز خواهد شد.

مردم انقلابی ایران از همان ابتدای اعلام مبادله نامه و تعیین تکلیف توسط امام خمینی دیدگان خود را هشیارانه، متوجه مجلس کردند و بلافاصله حل این خواست های اساسی و مسائل عمده را در گرو انجام رهنمود

آن مساوی با حداقل پایه دستمزد قانونی و حداکثر آن برابر با هفتاد و پنج درصد دستمزد دورما اشتغال مشخص شده، باید تابع حداقل نیازهای مشخص کارگر و خانواده تحت تکفل او باشد. و این اصل در درجه نخست باید در تعیین ضوابط حداقل دستمزد (دوران اشتغال) در قانون کار ملحوظ واقع شود. و پایان سخن این که بندهند قوانین باید با چنان صراحت، دقت و وضوحی مقصود خود را بیان دارد و

شش سال از تأسیس "کبله" های اتیوپی می گذرد

آن روز می اندیشند... کاهش فوق العاده کرایه خانه ها برای اکثریت مردم بود. در آستانه انتخابات "کبله" ها در چند هفته پیش، کارنامه آنها بس موفقیت آمیز ارزیابی شد. این کامیابی بویژه در زمینه خانه سازی تعاونی، "مغازه های مردمی" و تشویق کارگاه های تعاونی و خانگی حاصل گردید.

چاوی چنان زمینه روشنی برای اجرای خود باشد که راه گریز بر قانون شکنان خود سر دشود و گرنه قانون تأمین اجتماعی نیز در گذشته وجود داشته، ولی بخش مهمی از طبقه کارگر از آن نصیبی نبرده است. طرح بیمه بیکاری متأسفانه حتی در مواد محدود و لزوماً ناقص خود نیز به شیوه ای نگاشته شده و پرداخت یافته که از این مدل فاصله کمی ندارد.

چندی پیش شهروندان اتیوپی ششمین سالگرد انتشار اعلامیه انقلابی را برپا کردند، که بر پایه آن همکاران شهری و خاندهای شهری ملی شد و انجمن های شهر - نشیان ("کبله" ها) تأسیس یافت. روزنامه "دایی تیوپی هرالڈ" در سر مقاله خود بدین مناسبت نوشت:

"در حالیکه صاحبان پیشین اراضی و خانه های شهری عزار گرفته اند، توده های استثمار شدگان سابق با شادمانی به اینها، سهم برداختی کارگران در سه درصد پرداخت کارگر و کارفرما تعیین نشده است. کارگران بدرستی خواهان آنند که در این طرح و طرح های نظیر، با توجه به بنیه مالی ضعیف و تنگدستی عمومی به اضافه دشواری های فراوان به ویژه هزینه بالای زندگی که قدرت خرید آنان را بشدت محدود می کند، سهم برداختی آنان به حداقل ممکن کاهش یابد. همین جا باید گفت که تعیین در - یافتی کارگر بیکار که در "طرح" حداقل

آمریکابرای...

بقیما صفحه ۱
آمریکا و متحدان آن مدت‌هاست که زرادخانه خود را در کشورهای مرتجع منطقه و همچنین پایگاه‌های تجاوری خود را در اینجا و آنجا، نو نوار و آماده کرده و می‌کنند...

طرح ۸ ماده‌ای فهد باید یکبارگفتگو کردند... مسئله اصلی مذاکرات نخست وزیر انگلیس و رهبران کویت را علاوه بر طرح ۸ ماده‌ای عربستان، گسترش روابط اقتصادی با توجه خاص به فروش اسلحه از جانب انگلیس به کویت تشکیل می‌داد...

محاصره انقلاب زیر پوشش مبارزه با کمونیسم

امیرالایم جهانی تدارک عظیم نظامی خود را علیه خلق‌های منطقه مانند همیشه زیر پوشش مبارزه با "خطر شوروی" و "کمونیسم" انجام می‌دهد...

این همه به معنای آن است که آمریکا خود را برای ایجاد درگیری در منطقه خلیج فارس آماده کرده و منتظر است تا... اگر جنگ در نزدیکی مرزهای ایران روی دهد...

ارتش صدام فرومی‌ریزد

مقاله‌ای درباره وضع درونی ارتش صدام اقتباس از «طریق الشعب» آرگان مخفی حزب کمونیست عراق، شماره ۱۰ اواسط ژوئیه ۱۹۸۱

مخالفت با جنگ و ادامه آن و عدم درک اهداف آن، تنها محصره هزاران سرباز و درجه‌دار نیست که تا بحال صدها تن از آنها از ارتش گریخته و یا به نیروهای پارتیزانی ملحق شده‌اند...

دیگر مخالفت خویش را با جنگ و تنفر خود را از صدام آشکارا بیان می‌کنند. سربازان نیز علی‌رغم آن که می‌دانند محاربات اعدام در انتظار آنهاست از ابراز تنفر نسبت به صدام خودداری نمی‌کنند...

آرامی آمریکا، می‌میرد برای یک چنین نظامی و برای همین است که نقشه آمریکا و اسباب اجرای این نقشه آماده شده است...

و متحدان آن از همیشه حدی تر، ثوری تر و نزدیک تر است... امریالایم جهانی، به سرکردگی آمریکا برای انجام این نقشه...

نامه خانواده‌های زندانیان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مسئولان کشور

حضور محترم : رئیس مجلس شورای اسلامی
دبیر نخست وزیری
وزیر کشور
دادستان کل کشور جمهوری اسلامی ایران
دادستان کل انقلاب
دادستان تهران
شورای سرپرستی زندانبانها

در شرایط حساس کنونی که امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا هر روز با نیروی تازه و توطئه‌دوستانه‌ای جدید، در صدد نابودی دستاوردهای انقلاب شکوهمند میهنمان برآمده، و در شرایطی که میهن انقلابی ما مورد تجاوز آشکار رژیم صدام قرار گرفته است، ضرورت وحدت تمامی نیروهای صدامیرالیست و مترقی کشور - مان برای در هم کوبیدن توطئه‌های امپریالیسم و تحوالات رژیم صدام بیش از هر زمان دیگری احساس می‌گردد.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) علیرغم موانعی که در سر راه دارند، با حضور فعال خود در سنگرهای سرخ مقاومت و تقدیم ده‌ها شهید فدائی و نیز شرکت فعالانه در تک رسائی‌های پشت جبهه، مبارزه با ضدانقلاب و کوشش بیگردد در راه حکیم وحدت صفوف خلق، عملاً با ثبات رسانیده‌اند، که از مدافعین راستین انقلاب بر شکوه میهنمان می‌باشند. با این وجود هنوز منافقان تعداد قابل توجهی از فرزندان مبارز و انقلابی این مرز و بوم به اتهام هواداری از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بحای حضور در جبهه‌های مقاومت علیه امپریالیسم که حای واقعی آنان است، در زندانبانهای جمهوری اسلامی برمی‌نهند. حضور اینان در زندانبانهای جمهوری اسلامی تنها باعث خونی دشمنان سوگند خورده انقلاب خواهد شد. در شرایطی که آیت الله

موسی اردبیلی رئیس شورای عالی قضایی اعلام داشته است که طرح ماده‌های اجرا خواهد آمد، و در شرایطی که دادستان کل انقلاب و دادستان کل کشور یعنی بالاترین مقام‌های قضایی و حقوقی جمهوری بر این طرح مبنی بر تأیید نهادهای دیگری از مقامات و شخصیت‌های جمهوری اسلامی نظیر آیت‌الله منتظری، حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران، آیت‌الله مشکینی، و... بر ضرورت اجرای قانون - از جمله طرح ماده‌های دادستانی بازها و بارها اشاره کرده‌اند چرا با وجود ناکسید امام خمینی که اسامی باید سال قانون باشد، قانون اجرا نمی‌شود.

امروز توجه مسئولان به شرایط حساس میهنمان و نیز انجام وظایف خطیری که این شرایط پیش روی تمامی ارگانها، نهادها و بیرونی‌های صدامیرالیست و انقلابی نهادده است کند اصلی و ریز موفقیت انقلاب به عهده می‌رود، از این روست که ما خانواده‌های رسانیان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تهران در شرایطی که نزدیک به چند ماه است حتی موفق به ملاقات فرزندان و واسنکان خود نگشته‌ایم از مقامات جمهوری اسلامی خواهشیم که ضمن فراهم آوردن امکان ملاقات ما با فرزندان ما رسیدگی مجدد هر چه سریع‌تر وضعیت آنان امکان آزادی و حضورشان را در سنگر انقلاب بوجود آورند تا از این طریق گامی اساسی در جهت تحکیم وحدت صفوف مردم و اتحاد نیروهای وفادار به انقلاب برداشته شود.

با احترام :
خانواده‌های زندانیان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
فوقی برای روزنامه‌های : کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، کار، اتحاد مردم

در هفته‌ای که گذشت:

مشکل افغانی‌های مهاجر راریشه‌ای حل کنید

آقای دکتر محمدی استاندار سیستان و بلوچستان در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات، اعلام کرد: "کسانی هستند که در لوی آوارگان یا مهاجرین افغانی به ایران آمده‌اند و سوء استفاده می‌کنند و به کارهای ناشایست و مخمل نظم می‌پردازند" (اطلاعات - ۱۹ مهر ۱۳۶۰)

مسئله حضور افغانیها در منطقه که عده‌ای از آنها برای دولت و مردم ایجاد نارضایتی کرده‌اند و به کار قاچاق مواد مخدر و یا قاچاق اجناس مورد نیاز مردم دست می‌زنند و ناراحتی مردم را افزایش می‌دهند و همچنین وجود عده‌ای از ضدانقلابیون مورد حمایت سادات معدوم و قابوس و ملک خالد و آمریکا در میان این برادران و خواهران مهاجر افغانی، ناچار عده‌ای از آنها را به خطری بالقوه برای انقلاب اسلامی ایران تبدیل می‌کند" (اطلاعات - ۱۹ مهر ۱۳۶۰)

استاندار سیستان و بلوچستان که از نزدیک با مشکل مهاجران افغانی روبروست، آنها را به چند دسته تقسیم کرد و گفت: "ما معتقد هستیم که این افغانی‌ها را باید تفکیک کرد" (همانجا) - او گفت یک دسته از افغانی‌ها کسانی هستند که می‌توانند جنگ کنند، گروه دوم افراد مسن، علیل وزن و بچه تشکیل می‌دهند و گروه سوم را عوامل مشکوک و فاسد تشکیل می‌دهند. استاندار سیستان و بلوچستان درباره دسته اخیر گفت: "مشکلات ناشی از وجود برخی عوامل مشکوک و فاسد در میان این مهاجرین باید از بین برود" (همانجا) و افزود که دولت ایران: بهیچ عنوان در رابطه با تصمیمات خودش در سرزمین جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین گذشتگی از لحاظ حاکمیت دولت بعمل نخواهد آورد". استاندار سیستان و بلوچستان

ضمن اعلام اینکه برای افراد مسن و علیل طی دو ماه آینده اردوگاه‌هایی آماده می‌شود تا تکید کرد که دولت اجازه نخواهد داد کسانی در لباس افغانی‌های رانده شده به کارهای ناشروع از قبیل قاچاق مواد مخدر و دزدی و غیره بپردازند.

این سخنان استاندار سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد که خوشبختانه مقامات مسئول سرانجام به توطئه امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا برای استفاده از میاخرین افغانی علیه انقلاب ایران پی برده‌اند. چنان که استاندار سیستان و بلوچستان اعلام کرد، راه حل‌هایی هم برای این مشکل در نظر گرفته شده که قدم اساسی آن تفکیک میاخرین افغانی است. این راه حل‌ها بدون تردید به انقلاب ایران کمک می‌کند تا مشکل مهاجران افغانی را که امپریالیسم آمریکا، نیروی وسیعی را در میان آنها، بعنوان ذخیره ضد - انقلاب سازمان داده حل کند. اما حل ریشه‌ای این مشکل ممکن نخواهد بود، مگر از طریق مذاکره با دولت افغانستان برای حل و فصل این معضل در چارچوب مناسبات برابر حقوق دو کشور.

از خطر ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان غافل نشوید

استاندار سیستان و بلوچستان در مصاحبه با روزنامه اطلاعات درباره "مسئله اشرا و خوانین سلطنت طلب و قاچاقچیان مواد مخدر... و سلطنت طلبان فراری و ساواکی‌های اخراجی مستقر در پاکستان را که گویا بتازگی با اشرا و خوانین در این حرکات همراه شده‌اند" (۱۹ مهر ۱۳۶۰) گفت: "البته این حرکات که از طرف اشرا، خوانین و قاچاقچیان (که در حقیقت همان یاران

وفادار و برحق طاعت هستند) حرکت - های مذبحانه است و ما نباید به این حرکتها، زیاد بپردازیم" (همانجا) - ماضی تأیید خطر جدی‌باند - های گوناگون ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان نمی‌توانیم تا کم به یادادن به این خطر موافق باشیم. همد اخبار، حوادث و قرائن (از جمله همین مصاحبه) نشان می‌دهد که امپریالیسم نقشه‌های خود را برای تبدیل سیستان و بلوچستان به گردستان دوم، به مرحله اجرا درمی‌آورد این نقشه که توسط "سما" طراحی شده اکنون بر نظر مستقیم کارسازان آمریکایی و ما موران امنیتی پاکستان دنبال می‌شود، حرثی از نقشه اساسی امپریالیسم برای سرنگونی انقلاب ایران است. از این رو باید به این خطر بیای زیاد داد، حدی تا آن برخورد کرد و برای مقابله فاع و فوری مان آماده شد.

غارت سرمایه داران ادامه دارد

آقای زهرانی نماینده مردم دزفول در مجلس شورای اسلامی، در گفت و گونی با روزنامه کیهان، در کنار مسائل مختلف به طرح یکی از مهم‌ترین مشکلات کشور پرداخت: "تجارت خارجی ما بجز موارد معدودی هنوز در انحصار یک مشت بازاری محنگر و سرمایه دار و نایاب است که در نهایت بی دردی به این ملت خیانت می‌کنند. و منافقانه بعد از انقلاب ما اینها را بخورد فاع و بیبایدی نشده‌است و عموماً سیرت شده‌اند" (کیهان - ۱۹ مهر ۱۳۶۰)

این سخنان نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ریشه - های اساسی مشکلات جامعه آگاهی دارند. انتظار مردم این است که از این آگاهی برای حل مشکلات یاری گرفته شود و هر چه زودتر با دولتی شدن بازرگانی خارجی، غارتگری سرمایه داران پایان گیرد.

تسریع بازگشایی مراکز آموزش عالی و انجام دگرگونی بنیادین در نظام آموزش عالی ایفا کنند.

ما معتقدیم که تنها راه تأمین یک محیط آموزشی سالم، سازنده و پربار و بدور از هرگونه تشنج و آشوب - که امپریالیسم، به سرگردگی امریکای جنتا بتکار، و "تفاله" های آن بی شک خواهند کوشید بر مراکز آموزش عالی کشور مان تحمیل کنند و اگذاردن امنیت و انتظامات دانشگاهها و مدارس عالی به عهده نمایندگان واقعی دانشجویان - صرف نظر از اعتقادات مسلکی - است.

برای تحقق این امر، پیشنهاد حزب توده ایران مبنی بر تشکیل کنگره‌ای در آستانه بازگشایی دانشگاهها، از نمایندگان دانشجویان متعلق به گروهها و سازمان‌های مومن به انقلاب و وفادار به جمهوری اسلامی ایران، را مورد تأکید قرار می‌دهیم.

وظایف این کنگره عبارتند از: تبادل نظر و اتخاذ تدابیر درباره نحوه فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانشجوین و مشارکت دانشجویان در امر بازگشایی دانشگاهها و تدارک انتخاب شورای نمایندگان دانشجویان - که مسئول مستقیم حفظ نظم و امنیت و فعالیت آرام و سازنده دانشگاهها خواهد بود.

بدون تردید تشکیل این کنگره گام ارزنده‌ای در جهت تحکیم اتحاد همه نیروهای دانشجویی مومن به انقلاب و متحد به جمهوری اسلامی ایران و سنگ بنیاد تشکیل "اتحادیه سراسری دانشجوین"، به عنوان ضامن شرکت فعال دانشجویان در حیات اجتماعی و سیاسی کشور و تأمین حقوق صنفی شان و ضامن فعالیت سالم، سازنده و پربار مراکز آموزش عالی خواهد بود.

جهت بازگشایی سریع دانشگاهها و مدارس عالی اقدامات فوری و بنیادین صورت گیرد. مراکز آموزش عالی (بویژه در رشته‌های پزشکی مهندسی و فنی، کشاورزی و تربیت معلم) - بر پایه اقدامات انجام شده تا کنون، هر چه سریع‌تر گشوده شوند و همانگونه که امام گفتند: "پس از بازگشایی اصلاحات لازم به فوریت انجام گیرد."

ما از اعلام طرح "چگونگی بدیش اسناد و دانشجو در دوره انتقال"، از آنرو که شانکر بوجهورات فرهنگ و آموزش عالی به ضرورت بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی است، استقبال می‌کنیم. ولی متأسفانه، طرح مذکور حاوی برخی نکات منفی است که نمی‌تواند مورد تأیید ما و سایر نیروهای علامند به آینده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، از جمله: اغماض قائل شدن برای وزرا و نمایندگان مجلس رژیم شاه ملعون - که پس از کودنای امپریالیستی سال ۳۲ در مسائل فوق به رژیم شام آمریکا خدمت می‌کرده‌اند -، عدم توجه به رسالت ارشادی و پرورشی نظام آموزش عالی در قبال هواداران گروه‌های چپ رو، ضوابط مبهم و قابل تفسیر تنگ نظرانه برای پذیرش اساتید و دانشجویان، که می‌تواند علیه برخی از نیروهای مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مورد سوء استفاده قرار گیرد و غیره. از اینرو ما طرح مذکور را به هیچ‌روی در چارچوب نیازها و مقتضیات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانیم و امیدواریم که مسئولین امر با برخوردی اصولی و واقع - بینانه به تجدید نظر بنیادی در آن بپردازند.

ما معتقدیم که اقدامات اخیر وزارت فرهنگ و آموزش عالی، از جمله

بقیه از صفحه ۸

ها را که خیلی معطلی ندارد و استاد شهید محمد علی محمدی است شروع کنید... بسته ماندن دانشگاهها به این صورت به ضرورت کشور است و اگر تعطیل دانشگاهها طول بکشد و معلم و دانشجو در دانشگاهها نباشد، فاجعه است برای کشور ما.

نخست وزیر شهید آقای دکتر باهنر که خود از دست‌اندرکاران و صاحب نظران ارزنده آموزش کشور بود، نیز به وضع نظام آموزش عالی توجه ویژه‌ای داشت و بارها در سخنان خود توجه مسئولین و دست‌اندرکاران را به اهمیت کتابی هر چه سریع‌تر دانشگاهها جلب کرد: "... امیدواریم دانشگاهها تا سال تحصیلی آینده با محتوای بهتر و ظرفیتی بیشتر کار خود را از سر گرفته و در از بین بردن عقب ماندگی‌های سابق، چه از نظر کمی و چه از لحاظ کیفی، نقش خود را ایفا کنند."

(جمهوری اسلامی - ۵۹/۱۲/۱۷) و: "... بازگشایی دانشگاهها طوسی نخواهد کشید و امیدواریم سال آینده دانشگاهها باز شود." (صبح آزادگان - ۱۳۵۹/۱۲/۲۰)

به دنبال رهنمودها و تاکیدات امام و خواست مکرر مردم بر روشن شدن وضع مبهم نظام آموزش عالی، مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی "بارها بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی را وعده دادند.

در خرداد ماه ۱۳۶۰ دکتر شریعت - مداری، عضو "ستاد انقلاب فرهنگی"

وقایع مهم جهان در یک هفته

لهستان سوسیالیستی بوده و خواهد بود

دولت "دست یازید" روزنامه پوینامی "بیان دان" در این زمینه خاطرنشان ساخت که دشمنان سوسیالیسم در لهستان دیگر هدف خود را منتهی بر احراز قدرت در این کشور نپنهان نمی سازند.

یوچی نیاکامبارا، رئیس "جامعه زنان لهستان"، در کفرانس مطبوعاتی در پراگ گفت که "علیرغم تلاش نیروهای ضد سوسیالیستی، لهستان یک کشور سوسیالیستی بوده است و خواهد بود."

او کمک دیگر کشورهای سوسیالیستی را به لهستان ستود و اظهار اطمینان کرد که حرکتکنان لهستان گام‌هایی استوار در راه غلبه بر بحران کنونی آن کشور بر خواهند داشت.

در ورشو، کمیته مرکزی حزب متحدگاری لهستان "پلنوم خود را آغاز کرد، در این پلنوم قرار است وضع سیاسی لهستان، روند اجرای مصوبات کنگره فوق العاده حزب و وظائف آموزشی - ایدئولوژیک بررسی شود.

در لهستان، یوزف ماریلا، معاون وزارت دفاع گفت، که مهم ترین ویژگی رویدادهای کنونی مبارزه سرسختانه در راه تحول آتی لهستان است.

وی، که در مراسم سی و هشتمین سالگرد پایه گذاری نیروهای مسلح لهستان در ورشو سخن می گفت، یاد آور شد، که نیروهای ضد سوسیالیستی میگویند تا قدرت را بدست گیرند و هم - پیمانی های سیاسی و نظامی لهستان را آماد حمله خود فرار داده اند.

یوزیف ماریلا هشدار داد:

"مادر برابر چنین تلاشهایی بی نفاق نخواهیم ماند، به ویژه آنکه ناتو به تسریع مسابقه تسلیحاتی و مانورهای بزرگ نظامی دست زده است. معاون وزیر دفاع لهستان یادآور شد که نیروهای مسلح لهستان برای غلبه بر دشواری های کنونی لهستان و تثبیت اوضاع کوششی ورزید.

در این میان، "روده پراوو" (چکسلواکی) در تفسیری درباره "کنفرانس همبستگی نوشت که این کنفرانس "به روشی اروپایی با حزب و

از دوستانش در منطقه به ثبوت برساند". در ملاقات هیگ با حشمتی مبارک درباره مانورهای مشترک نیروهای مسلح دو کشور گفتگو شد. در این مانورها هواپیماهای "بی-۵۲" هم شرکت خواهند کرد. دولت آمریکا از دولت مصر خواست، که در ازای دریافت کمک های نظامی آمریکا، ادامه سیاست خائسانه خود را در چارچوب تثنایی "کمپ دیوید" تضمین نماید.

الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا، گفته است، که گسیل هواپیماهای "آوکس" به مصر و مانورهای نظامی آینده در آن کشور "ماید نشان دهد، که چگونه ارتش آمریکا میتواند در منطقه عمل کند."

مانورهای نظامی با مرده که ۲ هزار سرباز آمریکایی را دربر خواهد گرفت بطور عمده در درگیری مرزهای لبی صورت خواهد پذیرفت. و اسپیکس ماهی است، که به کارزار تبلیغاتی وسیع علیه نیسی مشغول است.

لبی در پیامی به "سورای امنیت" دسیسه های تجاوزگازانه آمریکا و متحدان ارجاعی آن را در آفریقا علیه خود محکوم ساخت.

تشدید اقدامات امنیتی صورت گرفت. بیشتر کشورهای عرب از شرکت در این تشریفات خودداری جستند.

"پراودا" در مقاله ای خاطر نشان ساخت، که آمریکا از طرف سادات از صحنه سیاست برای "قدرت نمایی نظامی" بهره می جوید.

همزمان یاد رفتن سادات "نیروهای واکنش سریع" و یگان های دریایی آمریکا در نزدیکی مصر به حالت آماده باش درآمدند.

از سوی دیگر، در برخی از شهرهای مصر درگیری های مسلحانه سکنه بارزیم ادامه یافت.

با عتراض یک مجله مصری ارتش برای مقابله با مخالفان از هلیکوپترهای جنگی استفاده کرد.

در ملاقات هایی، که میان سرن مصر و سانسدادان کشورهای عربی صورت گرفت، به افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه پرداخته شد.

الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا، تاکید کرد که ایالات متحده واگذاری سلاح های مدرن را به مصر (از جمله هواپیما، تانک و موشک) سرعت خواهد بخشید، به گفته هیگ آمریکا قصد دارد از اینراه "پشتیبانی خود را

اتحاد شوروی ایالات متحده آمریکا را بخاطر تلاش برای اعمال فشار بر مصر و مداخله در امور داخلی آن کشور محکوم ساخت و اینکه تلاش را غیرمجاز و غیر قانونی "جوید."

دولت اتحاد شوروی در بیانیه ای خطاب به دولت آمریکا در این زمینه، از گسیل کشتی های جنگی به سواحل مصر و اعلام آمادگی "سپاه واکنش سریع" آمریکا یاد کرد.

دولت اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت، که "جنبش اقدامات خشنوت بارو نسج زایی مغایر با موازین مناسبات بین المللی است."

به عقیده دولت اتحاد شوروی، اقدامات ایالات متحده در قبال رویدادهای کنونی مصر سه افزایش خطرناک تشنج در سراسر منطقه انجامیده است. رویدادهای پیرامون مصر بر منابع امنیتی اتحاد شوروی تاثیر می گذارد و اتحاد شوروی، از اینرو، این رویدادها را به دقت زیر نظر می گیرد.

روز شنبه ۱۸ مهر ۶۰، حسدانور سادات در قاهره به خاک سپرده شد. رئیس جمهور مصر روز ۱۲ مهر ۶۰ در جریان رژه های نظامی ترور شد. تسبیح جنازه سادات در شرایط

ویلی برانت در کنفرانس "شمال-جنوب" شرکت نمی کند

ویلی برانت، صدر حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، در سخنرانی در رم گفت، که انتظار ندارد که کنفرانس "شمال-جنوب" مکزیک به نتایج مشخصی دست یابد. وی بیست و یک روز پیش از این اعلام کرده بود، که در کنفرانس نامبرده شرکت نخواهد جست. یادآور می شویم، که برانت ریاست "کمیسیون شمال-جنوب" را عهده دارد.

آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی علیرغم توصیه های او، از تخصیص بودجه بیشتر برای کمک به کشورهای رشد یابنده احتراز می ورزند. از سوی دیگر، ریگان در سخنرانی خواست کشورهای رشد یابنده را برای ایجاد نظامی نوین در پهنه اقتصاد بین المللی رد کرد.

مردم اروپای غربی نمی خواهند "گروگان هسته ای"

آمریکا باشند

روز شنبه ۱۸ مهر ماه ۶۰، در حدود ۴۰۰ هزار نفر در تظاهراتی سابقه ای در برن (جمهوری فدرال آلمان) در راه خلع سلاح و تنش زدایی در اروپا و علیه استقرار بمب نوترونی و موشک های جدید آمریکایی و اروپای غربی شرکت کردند.

تظاهرات بین کارگران صنعتی روحانیون، سازمان های سندیکائی جوانان، ریان و عناصر ضد فاشیست، سوسیال، دمکرات ها، کمونیست ها و لیبرال ها و غیره را در برمی گرفت. در صفوف راهپیمایان حتی سربازان هم دید می شدند. این راهپیمایی با میتنگی در مرکز برن پایان یافت.

چندین نماینده دوحزب حاکم سوسیال دمکرات و لیبرال نیز توصیه رهبری خود را نادیده گرفتند و در این تظاهرات شرکت کردند.

ارهارد ایلر، یکی از اعضای رهبری حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، در سخنرانی خود ادعای برتری نظامی پیمان ورشو را بر "ناتو" رد کرد و خاطر نشان ساخت که شماره جنگ افزارهای این دو پیمان در اروپا تقریبا برابر است.

در تظاهرات برن نمایندگان جنبش های صلح دربارهای از دیگر کشورهای اروپای باختری و ایالات متحده نیز شرکت جستند.

از سوی دیگر، در سیسیل (ایتالیا)

در بریتانیا چهار میلیون نفر بیکارند

ادوا، دهیت، نخست وزیر سابق بریتانیا، سیاست اقتصادی دولت تاجر راستدست محکوم کرد. وی در کنفرانس سالیانه حزب محافظه کاران در سلاک پول سخن می گفت.

از هنگام احراز قدرت محافظه کاران، همکاری در بریتانیا دو برابر شده است. واکنون رسماً تجاوز از سه میلیون نفر را در برمی گیرد (در واقع بیش از ۴ میلیون نفر) در نه ماه نخست سال میلادی نزدیک به ۶۵۰۰ شرکت ورشکسته شده اند.

وزیر کار بریتانیا تهدید کرد، که در کشورش حق اعتصاب محدود خواهد گردید.

مایکل فوت، رهبر "حزب کارگر" بریتانیا گفت، که سیاست اقتصادی محافظه کاران "کشور را به ورطه فاجعه کشانده است."

به گفته او این سیاست، برای میلیونها نفر خانمان برانداز بوده است.

رهبر سندیکاهای آلمان غربی:

سفارش های بازرگانی اتحاد شوروی برای نیم میلیون کارگر آلمان غربی کار فراهم کرده است

هاینتز اوسکار فتر، رهبر "کنفدراسیون سندیکاهای آلمان (غربی)" پس از بازگشت خود از اتحاد شوروی که در جریان آن با برژنف هم دیدار کرد، در مصاحبه ای مطبوعاتی در هامبورگ "کوشش برخی از محافظ غربی را برای اعمال فشار بر آلمان غربی به منظور تجدید مناسبات اقتصادی با اتحاد شوروی محکوم کرد."

فتر خاطر نشان ساخت، که سفارش های بازرگانی اتحاد شوروی در آلمان غربی برای نیم میلیون کارگر آلمان فدرال کار فراهم آورده است.

اعتراض مردم اسپانیا علیه نقشه عضویت آن کشور در "ناتو"

فیلیپه گونسالس، دبیرکل "حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا"، گفته است که سوسیالیست های اسپانیا، علیرغم همه دشواری ها، به مخالفت خود با عضویت آن کشور در "ناتو" ادامه خواهند داد. او این ادعا را که حزبش درباره

نمایندگی های محترم فروش "اتحاد مردم" دوستان و هواداران اتحاد دموکراتیک مردم ایران

خواهشمند است بهای نسخه های هفته نامه "اتحاد مردم" و کتبه های نقدی خود را طی حواله های بانکی به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران، تهران شعبه آریا شهر به نام محمود اعتمادزاده واریز و فتوکپی بخش آن را به نشانی: تهران، منطقه ۱، صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷ ارسال فرمایند. هفته نامه "اتحاد مردم"

مزدوران امپریالیست های اروپای غربی دوش بدوش

مداخله گران "پرتهریا"

در آنگولا می جنگند

سروهای آفریقای جنوبی نبرد های خود را در جنوب آنگولا گسترش می دهند. به نوشته ژورنال دی آنگولا در این عملیات تانک ها، توپخانه و هواپیماهای نژاد پرستان شرکت دارند. در روزهای اخیر بسیاری از غیر نظامیان هدف حملات گسترده بوده اند.

"ژورنال دی آنگولا" در سرمقاله ای خاطر نشان می سازد که "وزیم گسترش طلب (آفریقای جنوبی) خطری برای دیگر کشورهای مستقل آفریقا نیز به شمار می رود. در ستیزه های مداخله طلبانه آفریقای جنوبی مزدوران کشورهای اروپای غربی هم دوش بدوش نیروهای منظم پرتوریا می روند. در میان مزدوران، افراد ارتش استعماری پرتغال نیز دیده می شوند."

بیش از ۵۰٪ سربازان آمریکایی معتادند

رسیدگی به علل سقوط یک هواپیمای ناو هواپیمابر "تی میتز"، که در بماسال به مرگ چهارده نفر انجامید، تنها تقصیر خلبان را ثابت نکرد. کالبد شکافی قربانیان نشان داد که، حداقل ۶ نفر آنها زیر تاثیر مواد مخدر بودند. به گفته تویلیام سی. لوتیزل، سرکارشناس "پنتاگون"، برای مواد مخدر، در برابر یکی از کمیسیون های "کنگره"، سو استفاده از مواد مخدر در نیروهای مسلح آمریکا "مسئله ای جدی" است. به تخمین "پنتاگون"، ۳۸٪ نظامیان آمریکا به ماریجوانا و غیره معتادند. به گزارش یو.اس. نیوز اندورلد رپورت، به ویژه سربازان جوان جز "معتادان هستند. به موجب گزارشی، ۳۲٪ سربازان آمریکا به ماریجوانا، ۷٪ به کوکائین و ۹٪ به دیگر مواد مخدر اعتیاد دارند.

اکنون "پنتاگون" سالیانه صد میلیون دلار صرف مبارزه با اعتیاد در نیروهای مسلح می کند. در این مبارزه ۳۹۰۰ پرسنل نظامی شرکت دارند. نیروی دریایی آمریکا چندین پیش گردانی، مجهز به سگهای تعلیم یافته، را مأمور مبارزه با اعتیاد کرد.

۶۰ تن از ضد انقلابیون افغانی نابود شدند

به گفته حیدر مسعود، معاون اول وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، کشور او از همه چیز بیشتر به صلح با ثبات و یابداری نیازمند است.

حیدر مسعود افزود که جنگ اعلام نشده آمریکا و چین علیه افغانستان به پیدایش تشنج در منطقه انجامیده است. گزارش های رسیده از کابل حاکی است که ۶۰ تن از شرار ضد انقلابی در هرات نابود شدند.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده - (م. ۱۰، به آذین)

آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی صندوق شماره ۳۱۴/۱۱۱۷